اولین و یگانه روزنامه تخصصی معدن و صنایع معدنی ایران

روزگار معدن

www.Madandaily.com

شنبه • ۱۲ آذر ۱۴۰۱ • ۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۳ دسامبر ۲۰۲۲ • سال پنجم • شماره ۹۷۲ • ۸صفحه • قیمت ۳۰۰۰ تومان



اشتباهات استراتژیک در حوزه سنگ آهن

در خبرها آمده بود که هند به‌تازگی تعرفه‌های سنگین صادرات فولاد و مواد اولیه فولادسازی و عوارض صادراتی سنگ‌آهن و گندله با عیار بالا را حذف کرده است. این تصمیم که پیش‌تر با عنوان «الگوبرداری هند از ایران در وضع عوارض صادراتی» نام‌گرفته بود، پس از ماه‌ها شکایت معدنکاران و فولادسازان هندی لغو شد. دولت هند در نظر داشت با وضع این عوارض به کنترل تورم...

۴



مشکلات پیش‌پای سرمایه‌گذاران را برداریم

سرمایه‌گذاری نخستین مرحله از حیات صنعت معدن و مواد معدنی است که به‌تازگی آن را حلقه مفقوده بخش صنعت معدن معرفی می‌کنند. کارشناسان چندی است که درباره کاهش سرمایه‌گذاری در این بخش، ابراز نگرانی می‌کنند و دلایل چندی برای آن اظهار می‌دارند. برای بررسی این موضوع پای صحبت ۲ تن از کارشناسان و فعالان نسل جدید حوزه معدن نشست...

۲

گردهمایی ۹۰۰ شرکت داخلی و خارجی در ایران متافو

۵



عکس: روزگار معدن

یادداشت‌ها



بانک‌ها از مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند

۳



صادرات راهکاری برای گذر از اقتصاد بیمار

۶



کارآفرین معدنی کیست؟

۷



صنعت سنگ و چالش گسست صنفی

۸

گزارش روز

سیاست‌گذاری غلط مانع صادرات

براساس آمار منتشرشده توسط انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران میزان صادرات فولاد میانی و نیز مجموع محصولات فولادی کشور در ۷ ماه نخست امسال در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، کاهشی بود که این افت در بخش فولاد میانی ۹ درصد و در مجموع محصولات فولادی ۴ درصد گزارش شده است. دلایل متعددی را برای افت صادرات فولاد ...

۶

سرمقاله

دست و بال معدنکاران را بسته‌اند



محمدابراهیم برهانی
عضو سازمان
نظام مهندسی معدن سمنان

رهبر معظم انقلاب چندین و چند سال است که تاکید می‌کنند باید به سرمایه‌گذاری و تولید اهمیت بیشتری داده شود.

آیا بین سرمایه‌گذاری که وارد بخش تولید شده است با سرمایه‌گذاری که کار تولیدی نمی‌کند و ارز و طلا می‌خرد و می‌فروشد و جامعه را دچار بحران می‌کند، تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ اگر سرمایه‌گذار و تولیدکننده ما سرباز اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود، چطور می‌تواند بدون ابزار و امکانات فعالیت کند؟ آیا این کار آب ریختن به آسیاب دشمن نیست؟

در حقیقت جذب سرمایه‌دار به بخش تولید یکی از اهداف بزرگ اقتصادی در همه کشورها به‌شمار می‌رود، اما در کشور ما سیاست‌هایی اعمال می‌شود که سرمایه‌گذاران را فراری دهد و سخنانی به‌زبان می‌آید که بخش سرمایه‌داران را مدام با اتهام‌های گوناگون روبه‌رو می‌کند و این روال شاهدی بر نابختگی مسئولان این بخش است.

آیا امروز ارز تثبیت شده است، ماشین‌آلاتی که ابزار کار معدندار است، در اختیارش قرار دارد، مشکل تعرفه واردات و عوارض صادرات حل شده، زیرساخت و بستر فعالیت معدنکاری مهیا است؟

ادامه در صفحه ۲

آگهی برگزاری مناقصه عمومی

شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان در نظر دارد عملیات اجرایی به شرح زیر را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	محل تامین اعتبار	مبلغ بر آورد (ریال)	مبلغ تضمین(ریال)
۴۰۱-۳-۲۵۷/۲	انجام امور اداری و خدمات عمومی و اپراتوری ایستگاههای پمپاژ منطقه دهاقان	جاری	۱۳,۷۸۵,۴۷۲,۶۳۳	۶۱۳,۵۶۴,۰۰۰

مهلت تحویل اسناد به دبیرخانه معاملات شرکت اتاق ۲۹۲: تاساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

تاریخ گشایش اسناد مناقصه: از ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

دریافت اسناد: سایت اینترنتی

شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان WWW.abfaesfahan.ir

پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات WWW.iets.mporg.ir

شماره تلفن گویا: ۸-۳۶۶۸۰۰۳۰-۰۳۱ (داخلی ۳۸۴)

نام روزنامه: روزگارمعدن تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان





سرمقاله

دست و بال معدنکاران را بسته‌اند

ادامه از صفحه اول

راهی برای حل مشکلات ریز و درشت معدن اندیشیده شده است که حالا می‌گویند معدنداران در پرداخت حقوق دولتی قصور می‌کنند؟ می‌گویند حقوق دولتی هرچه زودتر پرداخت شود یا اعلام می‌کنند که جریمه دیرکرد حقوق دولتی کمتر از بهره بانکی است و به‌همین دلیل مطالبات دولتی به‌موقع پرداخت نمی‌شود.

داستان به‌شکل دقیق مانند آن است که با قول، حمایت و وعده‌هایی رنگارنگ از شناگری خواهش کنیم در تیم ما شنا کند. به‌هر ترتیب ممکن است اعتمادش را جلب کنیم و از او قول بگیریم که در رقابت‌ها حداقل مقام دومی را کسب کند. بعد که وارد گود شد، نه هیچ امکاناتی در اختیارش بگذاریم و نه خوراک و ابزار مناسب برایش تامین کنیم و در نهایت هم دست و پایش را ببندیم و از او بخواهیم شنا کند و بعد برای اینکه مقام دوم را کسب نکرده او را جریمه کنیم! چطور توقع داریم این فرد مسابقه دهد و با نمایندگان دیگر کشورها رقابت کند! چرا کسی حساب نمی‌کند همه ابزار از این فرد گرفته شده است و دست و بالش بسته شده است!

وقتی سرمایه‌داری ریسک حضور در بخش معدن را قبول می‌کند، باید موردحمایت قرار گیرد یا اینکه هنوز از چاله‌ای در نیامده به چاه هل داده شود؟ آیا کسی به این نکته توجه می‌کند که سرمایه‌گذار این بخش اشتغال ایجاد خواهد کرد، با صادرات برای کشور ارزآوری می‌کند یا جلوی خروج ارز از کشور را می‌گیرد.

با این روش‌های جاری در کشور، هم سرمایه ملی هدر می‌رود و هم نشان می‌دهد که حضور در بخش معدن، آخر و عاقبت خوشی ندارد.

کسی نمی‌گوید با این روش مدیریت چطور می‌توان سرمایه‌گذاری که دلالی می‌کند و درآمد بی‌دغدغه‌ای دارد، وارد حوزه معدن کرد؟ آیا کسی فکر نمی‌کند که با شرایط موجود، درآمد و هزینه معدنکاری گاهی حتی سربه‌سر هم نیست. آیا به این ترتیب دلالی ترویج داده نمی‌شود؟

کنترل درآمد و هزینه که دست دولت است و با سیاست‌گذاری‌هایش بازار را کنترل می‌کند، آیا نمی‌داند که وقتی هزینه‌ها ناگهان چندین و چندبرابر می‌شود و سرمایه‌گذار این حوزه با سر زمین می‌خورد، نمی‌تواند حقوق دولتی را پرداخت کند.

چرا کسی به این موضوع اشاره نمی‌کند که در سال ۹۸ کل حقوق دولتی معدن ۱۰هزار میلیارد تومان بوده است و امروز با جهش ۴برابری به رقم ۴۰هزار میلیارد تومان رسیده است؟

به‌جای فرافکنی کمی برای تولیدکننده احترام قائل باشیم و اجازه ندهیم همین تعداد اندک سرمایه‌گذار هم از این حوزه فراری شوند.

گفته می‌شود که معدنداران حقوق دولتی را پرداخت نمی‌کنند یا آن را به‌تعویق می‌اندازند. چطور چنین چیزی ممکن است؟ اگر معدنداری در این زمینه سهل‌انگاری کند، سلب صلاحیت می‌شود یا تضامینش به‌اجرا گذاشته می‌شود، پس چطور است که دولت نمی‌تواند حقوق دولتی را وصول کند؟

شرایط پرداخت حقوق دولتی قانونی است که در مجلس به‌تصویب رسیده است و وزارت صمت باید این موضوع را در نظر داشته باشد که حوزه فعالیتش در محدوده قوه مجریه است نه قوه قضاییه یا مقننه.

اگر قرار است اصلاحی در زمینه حقوق دولتی انجام شود باید در قوه مقننه انجام شود. نحوه محاسبه حقوق دولتی مشخص است و موضوع اصلا پیچیده نیست. رویه اخذ حقوق دولتی هم کامل مشخص است. کجا قانون‌گذار حکم کرده که حقوق دولتی باید بلافاصله پرداخت شود.

اگر قرار بود حرمت سرمایه‌گذار رعایت نشود، قانون‌گذار می‌توانست حکم کند این مطالبات باید درجا پرداخت شود، نه اینکه پیش‌بینی شود که بعد از ۶ ماه تاخیر، یک درصد به حقوق دولتی افزوده شود، در ۶ ماهه دوم یک درصد و دیگر و... .

بدون تعارف باید بگویم که اگر با همین فرمان پیش برویم، به‌زودی سرمایه‌گذاری در حوزه معدن به‌کل تعطیل خواهد شد.

معدن نیاز به سرمایه دارد

مشکلات پیش‌پای سرمایه‌گذاران را برداریم



عکس: روزگار معدن

گیتا جاودانی

سرمایه‌گذاری نخستین مرحله از حیات صنعت معدن و مواد معدنی است که به‌تازگی آن را حلقه مفقوده بخش صنعت معدن معرفی می‌کنند.

کارشناسان چندی است که درباره کاهش سرمایه‌گذاری در این بخش، ابراز نگرانی می‌کنند و دلایل چندی برای آن اظهار می‌دارند.

«روزگار معدن» برای بررسی این موضوع پای صحبت ۲ تن از کارشناسان و فعالان نسل جدید حوزه معدن نشست تا از منظر آنها به این مسئله نگاه کند.

علل کاهش سرمایه‌گذاری در بخش معدن



احسان پیری ـ فعال معدن و مدیر مسئول ماهنامه توسعه معادن: سرمایه‌گذاری در بخش معدن، کار پرریسکی است و باتوجه به اتفاقاتی که به‌تازگی در قوانین معدنی اتفاق افتاده است ـ به‌عنوان مثال موضوع حقوق دولتی، حق اکتشاف و امثال آن ـ علاقه بخش خصوصی به این فعالیت کاهش پیدا کرده است. تا امروز دولت بسترسازی مناسبی برای حضور بخش خصوصی در حوزه معدن فراهم نکرده است.

یکی از اقدامات مهم این است که اکتشافات اولیه باید از سوی حاکمیت یا دولت باید اتفاق بیفتد که پیش از این سازمان زمین‌شناسی متولی آن بود، اما تا امروز هیچ‌یک از ارگان‌ها و سازمان‌ها وظایف ذاتی خود را طبق شرح ماموریت و مسئولیت‌های قانونی خود انجام نمی‌دهند. در این چند سال اخیر، سازمان زمین‌شناسی به‌شدت تضعیف شده است و جایگاه فنی و تخصصی خود را ندارد. خواه ناخواه خیلی از کارهای اکتشافی به ایمیدرو محول شده است. فعالیت تخصصی این سازمان هم بیشتر در بخش صنایع بوده است تا معدن.

به اعتقاد من تا زمانی که اطلاعاتی که در اختیار بخش‌های مختلف حاکمیت مثل وزارت نفت، ارتش، سازمان زمین‌شناسی و مانند آن به‌صورت شفاف در اختیار همه علاقه‌مندان حوزه سرمایه‌گذاری بخش معدن قرار نگیرد، فضای مجهولی برای سرمایه‌گذاران این حوزه ایجاد می‌کند. از سوی دیگر قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های ناگهان که برای فعالیت‌های معدنی وجود دارد یا صادر می‌شود همه دست به‌دست هم می‌دهد تا سرمایه‌گذاری کم و کمتر شود. البته امیدواریم که با تحولاتی که به‌تازگی دارد اتفاق می‌افتد و حرکت دولت به‌سمت واگذاری کارها به بخش خصوصی، این کم و کاستی‌ها جبران شود. چون بخش دولتی بسیار فربه و کند شده است و نمی‌تواند کارها را به‌صورت سیستماتیک جلو ببرد و ابزارهای لازم را هم ندارد، بنابراین باید دولت این مسئولیت‌ها را به‌تدریج واگذار کند تا حوزه سرمایه‌گذاری در بخش معدن متحول شود. این اقدام می‌تواند یکی از بهترین اتفاقات در کشور را رقم بزند، زیرا ما جزو معدود کشورهایی هستیم که هم منابع غنی انرژی داریم و هم معادنی غنی و با ظرفیت بالا که اگر اینها با هم ممزوج شود، نقش پررنگی در تامین زنجیره حوزه معدن و صنایع معدنی اتفاق می‌افتد.

نقش دولت در ایجاد ثبات و ترغیب سرمایه‌گذاری

چندین سال پیش یکی از اساتید دانشگاه تربیت‌مدرس نقشه راهی برای معدن تبیین کردند. همان نقشه راه ـ باوجود نواقص و ایراداتی که به آن وارد شد ـ می‌توانست بسیار کارگشا باشد، اما همان هم ملاک‌عمل قرار نگرفت و در بایگانی قرار گرفت. اگر همان نقشه راه چکش‌کاری و ایرادات آن اصلاح می‌شد، شاید بسیاری از مشکلات امروزه بحث سرمایه‌گذاری به‌وجود نمی‌آمد. یکی دیگر از مواردی که ابتر ماند، موضوع کاداستر بود که وزارت صنعت، معدن و تجارت آن را راه‌اندازی کرد و قرار بود لایه‌های مختلف اطلاعاتی روی آن قرار گیرد و در دسترس عموم باشد که اگر چنین اتفاقی می‌افتاد، داده‌ها و اطلاعات بسیار وسیع و موثری وجود داشت که باتوجه به همپوشانی لایه‌ها، ریسک تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌داد. امروز یک مدیر واقعی می‌تواند همه این مشکلات را حل کند، چون همه دیتاها را داریم و هزینه برای راه‌اندازی سیستم و بارگذاری اطلاعات برای مجموعه دولت ایجاد نخواهد شد. فقط مدیری باید بیاید که جرات و جسارت تصمیم‌گیری داشته باشد و یک‌بار برای همیشه این فضایی را که تا الان بر بخش معدن حاکم بوده، تغییر بدهد. یکی از مهم‌ترین ایرادات بخش معدن، تعامل نداشتن معاونت معدنی با بخش خصوصی است. این معاونت تا امروز، ارتباط خوب و موثری با مجموعه‌ها، تشکل‌ها و بخش‌هایی که در این مجموعه مشغول کار هستند، برقرار نکرده و خواه‌ناخواه اتفاقی که باید در حوزه معادن بیفتد، نیفتاده است.

بر این اساس، راه و روش برون‌رفت از این مشکل استفاده از یک مدیر خلاق، جسور و عالم به فضای معدنی کشور است که بتواند این مشکلات را حل کند و نیاز به سرمایه‌گذاری خاصی نیست.

همین دیتاها و اطلاعاتی که داریم را اگر بتوانیم طبقه‌بندی کنیم و در دسترس عموم قرار دهیم، خیلی از مشکلات حل می‌شود و همه فعالان این حوزه راه خود را پیدا می‌کنند.

واقعیت این است که ما ظرفیت‌های زیادی داریم و اگر شما به سازمان نظام مهندسی معدن ایران توجه کنید، بیش از ۳۰هزار نفر عضو دارد که همه فارغ‌التحصیل رشته معدن یا زمین‌شناسی بوده‌اند و هستند و ظرفیت بزرگی است، زیرا از مهم‌ترین عوامل موفقیت بنگاه‌های بزرگ، سرمایه انسانی است.

ما سرمایه انسانی داریم، اطلاعات و داده‌های موردنیاز و بخش خصوصی فعال را هم داریم و اگر از همه اینها در کنار هم بهره ببریم، فضای بسیار مطلوب‌تری در بخش معدن ایجاد خواهد شد.

موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی

ما در حال حاضر تحریم هستیم و در عمل مشکلات عدیده‌ای برای حضور سرمایه‌گذار خارجی وجود دارد. اگر این تحریم‌ها مدیریت شود، راه‌ها و پیشنهادات مختلفی برای جذب سرمایه‌گذار خارجی وجود دارد. یکی از مشکلات تحریم‌ها این است که ما نمی‌توانیم مراودات مالی داشته باشیم، بحث رمزارزها و پول‌هایی که در بستر بلاکچین در فضای مجازی وجود دارد، می‌تواند معضل مالی را حل کند. شرکت‌های بزرگ چون سهامداران آن کشورهایی مانند امریکا هستند، خواه‌ناخواه نمی‌توانند در ایران حضور داشته باشند،اما به‌عنوان مثال شرکت‌های چینی می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند،زیرا کشوری مانند ایران در واقع ظرفیت زیادی در این حوزه دارد. البته همه تقصیرها را نباید گردن تحریم انداخت. خود ما هم کم‌کاری‌های زیادی داشتیم. معضل دیگر این است که شاید تبلیغات و اطلاع‌رسانی ما در این حوزه ـ حتی در کشورهای همسایه ـ کمرنگ بوده است. به‌عنوان مثال در اکسپو دبی بسیاری از کسانی که در غرفه معدن حضور پیدا می‌کردند، اطلاعات ناچیزی درباره معادن ایران داشتند. اینکه ما در رسانه‌های مختلف حضور نداریم و در حوزه تخصصی مثل معدن، فولاد، زنجیره‌هایی که از معدن مشتق می‌شود و امثال آن نقش و رنگی از کشور ما نیست، ضعف بزرگی است که به بحث سرمایه‌گذاری خارجی صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. البته درست است که تحریم‌ها تاثیرگذار است و راه ما را دشوار کرده است، اما ما هم دست روی دست گذاشته‌ایم. خیلی کارها الان از سوی سازمان توسعه تجارت در حوزه تجارت در حال انجام است که قبل از این نبود، در حالی که نه تحریمی جابه‌جا شده و نه اتفاق خاصی در فضای بین‌المللی رخ داده است.

مشکلات پیش‌پای سرمایه‌گذاران



امین گندمکار ـ کارشناس حقوق و فعال معدنی: اکثر این مشکلات مربوط به قوانین، وظایف و ساختارها است. وقتی معضلات یک حوزه تا این اندازه ریشه‌ای باشد، تمام فعالیت‌ها دچار چالش می‌شود.

به‌عنوان مثال باتوجه به اهمیت موضوعات محیط‌زیست، منابع‌طبیعی و معدن و صنایع‌معدنی و از آنجا که موضوع همه آنها هم به انفال مربوط می‌شود، در عمل همیشه فعالیت‌های هر یک عرصه را برای حوزه دیگر تنگ می‌کند. این معضل زمانی پررنگ‌تر می‌شود که می‌بینیم هریک قوانین و دستورالعمل‌های بسیار قوی و دقیقی دارند که اعمال، استدلال‌ها و مخالفت‌هایی که با هم انجام می‌دهند، براساس آن است.

این مشکل از جایی ناشی می‌شود که اختیار مدیریت انفال در دست چند دستگاه اجرایی تقسیم شده است، این تعارضات به‌وجود می‌آید. راهکاری که به‌نظر من می‌رسد، این است که مدیریت واگذاری انفال در دست یک نهاد باشد.

به این ترتیب یک مرجع تصمیم می‌گیرد که اگر جایی به‌واسطه معدنکاری موضوع تخریب محیط‌زیست مطرح است، اولویت با کدام بخش است. اگر محیط‌زیست منطقه در اولویت بود، عملیات معدنکاری را به جایی دیگر منتقل کنند و اگر امکان احیا و بازسازی طبیعت منطقه وجود دارد، جلوی فعالیت‌های معدنی را نگیرند، چون موضوع اشتغالزایی پایدار، رشد و توسعه کشور، ارزآوری و مانند آن مطرح است.

بنابراین بیشتر این مشکلات را می‌توان در مرحله قانون‌گذاری برطرف کرد. اگر تعارضات، ابهامات و ضعف‌ها برطرف شود، چالش‌ها به‌شکل قابل‌توجهی کاهش می‌یابد.

تفسیر به رأی ممنوع است

مشکل دیگر اجرا نشدن برخی قوانین است. به‌عنوان مثال در دوره‌ای وزارت صمت با یک بخشنامه جلوی اعمال ماده ۲۴ قانون معادن را گرفته بود و هیچ‌کسی هم به اعتراضات پاسخگو نبود. پس وقتی قوانین موجود هم به‌طور سلیقه‌ای اجرا می‌شود یا مورد بی‌توجهی افراد و مدیران قرار می‌گیرد، به آنها عمل نمی‌شود یا هر منطقه یا استانی قانون را تفسیر به رأی می‌کند، مشکلات به کلاف سردرگمی تبدیل می‌شود که هیچ سرنخی برای بازکردن آن پیدا نمی‌شود.

پیشنهاد کاربردی

پیشنهاد من این است که نهادی در قالب شورای‌عالی یا کمیسیون مشترک و مانند آن تشکیل شود که مدیرانش از نهادهای مسئول در زمینه انفال انتخاب شده باشند، قانومند شود و ساختار پیدا کند و بعد این نهاد مسئول مستقیم تصمیم‌گیری درباره موضوع واگذار شدن یا نشدن انفال شود.

این شرایط موجود فقط هدردادن انرژی است که به‌طبع سرمایه‌گذار را از این بخش فراری می‌دهد.

به‌عنوان مثال توجه کنید که بخشی از مساحت کشور در اختیار منابع‌طبیعی قرار دارد که یکی از ارگان‌های بسیار قدرتمند است که در مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت قد علم می‌کند و در بیشتر موارد هم مخالف فعالیت معدنکاری است.

قریب ۹ تا ۱۰درصد در اختیار محیط‌زیست است که آنها هم قوانین بسیار سفت و سختی دارند و در مناطق چهارگانه به‌طورمطلق اجازه معدنکاری نمی‌دهند و آن موارد معدودی هم که در این مناطق وجود دارد یا مسبوق به سابقه است یا با وساطت شخص وزیر می‌توانند به فعالیت‌های خود ادامه بدهند.

عرصه باید بررسی شود یا متقاضی؟

واقعیت این است که اگر قرار باشد معدنکاری پا بگیرد و رشد کند، باید مدیریت واگذاری انفال در بخش معدن و صنایع معدنی در اختیار نهادی مستقل قرار گیرد که با دیدی ورای وابستگی‌های ارگانی موجود به موضوع نگاه کنند و برای آن تصمیم بگیرند و بگویند که آیا ارزش‌افزوده معدنکاری در یک بخش برای مردم منطقه و کشور بیشتر است یا اولویت با حفظ منابع‌طبیعی است.

گاهی موضوع مهم این است که سازمان منابع‌طبیعی و آبخیزداری کشور برای ارائه مجوز به یک شخص پاسخ مثبت و به شخصی دیگر پاسخ منفی می‌دهد.

به‌عبارت دیگر، تفسیر اشتباه از قانون در این زمینه مشهود است، زیرا از نظر قوانین باید از منابع‌طبیعی و محیط‌زیست درباره عرصه استعلام شود، اما در چند سال اخیر ارگان‌های فوق این استعلام را به افراد تسری داده‌اند و در واقع متقاضی را آنالیز می‌کنند تا تصمیم بگیرند با درخواستش موافقت کنند یا خیر. برای همین است که برای مثال من نوعی که مراجعه می‌کنم، پاسخ منفی می‌گیرم و نفر دیگری که مراجعه می‌کند، پاسخ مثبت می‌گیرد؛ در صورتی که زمین، عرصه و قوانین یکی است.

سخن پایانی

کارشناسان معتقدند با اینکه بخش معدن حوزه بسیار جذابی برای سرمایه‌گذاری است، اما در حال حاضر میزان استقبال از این کار کاهش چشمگیری پیدا کرده است. در گزارش فوق به بخشی از این موانع و محدودیت‌ها اشاره شد، اما این تازه آغاز راه است و گلایه‌ها و حرف و حدیث‌ها در این زمینه بسیار است که در این مقال نگنجد، پس باز به آن برخواهیم گشت.

باید جلوی معدنکاری در اعماق دریا را گرفت

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه با تاکید بر اینکه باید جلوی معدنکاری در اعماق دریا گرفته شود، گفت: برای جلوگیری از ادامه استخراج معادن در اعماق دریا نیازمند چارچوبی قانونی هستیم.

به‌گزارش ماین‌نیوز، مکرون که در حاشیه کنفرانس اقیانوس سازمان ملل متحد در لیسبون سخن می‌گفت، تاکید کرد: باید استخراج معادن در دریاهای آزاد را با توسل به قانون متوقف کنیم و اجازه ندهیم فعالیت‌های معدنکاوی جدید این اکوسیستم‌ها را به خطر بیندازد.

در چند سال اخیر از یک‌سو علاقه بین‌المللی رو به رشدی برای استخراج معادن از اعماق دریا پدید آمده است و از سوی دیگر مقاومت‌هایی از طرف برخی دولت‌ها و گروه‌های زیست‌محیطی شکل گرفته است تا جلوی معدنکاوی زیرآب گرفته شود یا حداقل به‌صورت قانونمند در آید.

کشورهایی مانند جزایر پالائو و فیجی در اقیانوس آرام و شیلی در امریکای‌جنوبی با استناد به نگرانی‌های زیست‌محیطی و فقدان داده‌های علمی کافی، خواستار توقف جهانی تمام فعالیت‌های معدنکاوی در اعماق دریا شده‌اند.

البته تمام کشورها مخالف چنین کاری نیستند. برای مثال چین به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در اکتشاف معادن در اعماق دریا است و کشورهای کوچک نیز در این زمینه با آن مشارکت می‌کنند.

کشورهای عضو G۷ (آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، امریکا و کانادا) در نشست ماه گذشته خود موافقت کردند، تنها در صورت کنترل و مهار آسیب‌های جدی محیط‌زیستی با چنین پروژه‌های معدنی موافقت خواهند کرد.

آموزش تخصصی تراش گوهرسنگ در ۳۱استان آغاز شد

گامی برای توسعه هنر – صنعت سنگ

گیتا جاودانی

در خبرها آمده بود، ایمیدرو (مجری طرح توسعه گوهرسنگ کشور) به‌زودی آموزش‌های تخصصی تراش گوهرسنگ را در ۳۱ استان کشور آغاز خواهد کرد.
در این خبر بااشاره به جذب بالای ۵۰ درصدی فراگیران تخصصی تراش گوهرسنگ آمده بود که با اعلام آمادگی سازمان‌های متولی ایجاد اشتغال کشور برای بکارگیری دانش‌آموخته‌های این رشته، تا پایان امسال ۶۵۰ نفر از هنرجویان سطح یک گوهرتراشی وارد بازار کار خواهند شد. در بخش دیگری از این خبر به این نکته اشاره شده بود که از نظر تجهیزات و مواد اولیه موردنیاز مشکلی در کشور وجود ندارد.
این در حالی است که فعالان و دست‌اندرکاران این صنعت، گلایه‌ها به وضعیت آموزش دارند و ایرادات چندی را به آن وارد می‌دانند.
علاوه بر این، معتقدند به‌علت ممانعت از ورود سنگ راف از کشورهای دیگر، شرایط فعالیت برای کارگاه‌های گوهرتراشی چندان مناسب نیست و یکی بعد از دیگری به‌سوی ورشکستگی می‌روند.
«روزگار معدن» برای بررسی بیشتر این موضوع، با مسعود کیانی، رئیس انجمن صنفی گوهرسنگ ایران و حدیث صادقی، مدیر یکی از موسسات گوهرشناسی و فعال صنفی، به گفت‌وگو نشست و نظر آنها را درباره فرصت‌ها و چالش‌های صنعت گوهرسنگ جویا شد.


عکس: روزگار معدن

جایی برای کار نیست



مسعود کیانی ـ رئیس انجمن صنفی گوهرسنگ ایران: درباره گوهرسنگ بازار قابل‌توجه جهانی نداریم و اگر بگوییم صفر است، دور از واقع نیست. یکی از دلایل این موضوع، فقدان آموزش صحیح و در نتیجه تولید کالای غیراستاندارد است.
بسیاری از تراشنده‌های گوهرسنگ، به‌شکل استاندارد جهانی‌پسند آموزش ندیده‌اند، حتی آموزش‌های آنها در حد استانداردهای فنی و حرفه‌ای (که آن هم اشکالات فراوانی دارد) نیست. در بازار جهانی اعتقاد بر این است که تمام گوهرسنگ‌ها باید از نظر پولیش، تقارن، کیفیت تراش و سایزبندی استاندارد باشند.
اگر تراش سنگ براساس استاندارد بین‌المللی نباشد، روی رکاب استاندارد سوار نمی‌شود، بنابراین کسی که می‌خواهد سنگ را سوار فلز یا به اصطلاح «مخراج کاری» کند، باید دوباره سنگ را کات کند یا تراش دهد. این معضلی است که علت آن آموزش نادرست در گوهرتراشی است.
معضل دیگر در کشور ما آموزش‌های زیرپله‌ای و غیرمجازی است که در سراسر کشور هم باب شده است و در پایان دوره هیچ‌گونه مدرک معتبری هم در اختیار کارآموز قرار نمی‌گیرد تا بتواند از آن برای گرفتن پروانه کسب و کار استفاده کند. آموزش‌های گوهرشناسی هم چندان برپایه استانداردهای جهانی نیست یا کانی‌شناسی به‌جای گوهرشناسی تدریس می‌شود. گوهرشناسی دانشی میان‌رشته‌ای است که آموزش‌های خاص و دوره‌های تعریف‌شده جهانی دارد و به چند بخش سنگ‌های رنگی، سنگ‌های مصنوعی، گوهرهای آلی و الماس تقسیم می‌شود، اما کانی‌شناسی یکی از مباحث زمین‌شناسی به‌شمار می‌رود؛ این معضلی است که بسیاری با آن درگیر هستند. آموزش کانی‌شناسی که بعضی از افراد با عنوان گوهرشناسی می‌دهند و غیرمجاز و غیراستاندارد است، در نتیجه، چند معضل پیش می‌آید. اول اینکه برخی از آنها خود در خریدوفروش‌ها و تجارت به مشکل برمی‌خورند و سنگ‌های اشتباهی خریدوفروش می‌کنند.
برخی دیگر هم آزمایشگاه‌های غیرمجازی ایجاد و شناسنامه‌های غیرمعتبر صادر می‌کنند. به‌عنوان مثال، مواردی داریم که فردی که کانی‌شناسی خوانده، برای رزین اپوکسی ۴۰ کیلویی به‌عنوان کهربای ایران شناسنامه صادر کرده است.

▣ مثل چین یا هند

مشکل اساسی ما در این حوزه، اول فقدان قوانین صحیح و تخصصی مرتبط با گوهرسنگ‌ها و دیگری نبود بازار است.
هر قانونی که ما در صنعت گوهرسنگ و جواهر داریم، درباره طلا است و کار تخصصی روی حوزه گوهرسنگ انجام نشده؛ بعضی موارد بخشنامه‌ای از سوی وزارت صمت یا هیات دولت صادر شده که سنگ‌های خام الماس نمی‌تواند از ایران صادر شود.
البته مشکل نبود بازار هم، ریشه در قوانین دارد، زیرا فرصت ارائه داخلی و خارجی را محدود می‌کند.
برای مثال، اتحادیه‌ها، بخشنامه‌ای از دادستان کل کشور گرفته‌اند که خرید و فروش جواهرات و گوهرسنگ‌ها به‌صورت مجازی ممنوع و همین باعث مشکلاتی شده است.
نبود صادرات هم مزید بر علت است. برای حل این مشکل باید مواد خام ارزان‌نرخ و تجهیزات را وارد کنیم تا هزینه‌ها را پایین بیاوریم و به این طریق ما هم مثل چین و هند می‌توانستیم سنگ‌های‌مان را به نرخ مناسب به بازار بیرون از ایران بفروشیم.

▣ کالای لوکس و دردسرهای بی‌پایان

ما در زمینه صادرات هم با مشکلی مانند واردات روبه‌رو هستیم. گوهرسنگ‌ها جزو گروه کالایی لوکس قرار گرفته‌اند، بنابراین در زمینه صادرات آنها هم، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستیم. به‌عنوان مثال ارزیاب مناسب در گمرک نداریم که قیمت‌گذاری درستی انجام دهد. محاسبه کند و تعرفه گمرکی مناسبی برای آن در نظر بگیرد. بعضی اوقات نرخ بسیار گزافی برای آن در نظر می‌گیرند و به همان نسبت تعرفه بسیار سنگین می‌شود و به این ترتیب صادرات توجیه اقتصادی خود را از دست می‌دهد.
متاسفانه این معضل باعث شده که واردات و صادرات گوهرسنگ‌ها بیشتر به‌صورت قاچاق انجام گیرد و نبود شفافیت و خلأهای قانونی به این مشکلات دامن می‌زند.

▣ ورود گوهرسنگ به جام‌جهانی

ما یک سال است که تمام تلاش خود را به‌کار بسته‌ایم و بارها و بارها درخواست کردیم که این فرصت را در اختیار ما قرار دهند، حتی کیش را هم به‌عنوان پایگاه جایگزین قطر معرفی کردیم تا برای جذب توریست برنامه‌ریزی شود. همه به‌به و چه‌چه گفتند و آن را ایده بسیار خوبی دانستند، اما متاسفانه تا امروز که فقط کمتر از یک ماه به برگزاری جام‌جهانی مانده، اقدام خاصی انجام نگرفته است و به‌نظر نمی‌رسد که بتوان در این مدت کوتاه اقدام خاصی انجام داد.

▣ فرصتی که سوخت

تا جایی که من می‌دانم، چند نهاد و ارگان در زمینه تهیه مقدمات این قضیه دخیل بودند؛ به‌عنوان مثال، سازمان توسعه تجارت، میراث فرهنگی و مناطق آزاد و حتی چند وزارتخانه، اما متاسفانه اقدام مناسبی نشد و رئیس اتحادیه هتلداران هم به‌تازگی اعلام کرده که حتی یک تخت هم در هتل‌های کیش رزرو نشده است.
البته چند وقت پیش شرکتی خصوصی با من تماس گرفت، اما عددی که برای اجاره‌بهای یک غرفه چند متری اعلام کرد، بسیار سنگین بود.
به‌گمان من، این نمایشگاه‌ها باید با کمک و یارانه‌های دولتی برگزار شود وگرنه کارگاه‌ها توان پرداخت چنین هزینه‌هایی را ندارند.
پیشنهادی که ما به دولت ارائه دادیم، این بود که سازمانی تخصصی برای گوهرسنگ ایجاد شود؛ چیزی شبیه مرکز ملی فرش (که البته ساز کار آن اشتباه بود)، اما به هرحال مسئول تمام حوزه‌های مربوط به فرش از آموزش گرفته تا تجارت، تولید و مواد اولیه بود.
یکی از مشکلات اساسی ما این است که فعالیت حوزه گوهرسنگ بین چندین وزارتخانه تقسیم شده که هرکدام از آنها سازکار خاص خود را دارند و به این ترتیب کلاف سردرگمی ایجاد شده است که هرکسی دستی به آن می‌زند و خراب‌ترش می‌کند، اما اگر سازمانی خاص در این زمینه متولی شود، حتی اگر به‌صورت مردم‌نهاد و بدون بودجه دولتی باشد، شاید بتواند برای گوهرسنگ از اکتشاف تا تجارت گرفته قانون‌گذاری کند، آیین‌نامه بدهد و مجوزهای لازم را برای فعالان صادر کند و قوانین، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها را یکدست و لازم‌الاجرا کند.

▣ کاش کمی رسیدگی می‌شد

متاسفانه همیشه به گوهرسنگ به‌عنوان یک موضوع حاشیه‌ای پرداخته شده و تاکنون اراده‌ای قوی برای حل مشکلات این صنعت در کشور ایجاد نشده است. اقداماتی که انجام شده فقط در حد نشست، مصاحبه و خبر بوده و انگار قرار است مسائل این حوزه را به‌نوعی از سر خود باز کنند. کاش کمی به این صنعت رسیدگی و متوجه می‌شدند که نمی‌توان با ارائه آمار و ارقام مشکلات را کتمان کرد.

آموزش به شرط استاندارد



حدیث صادقی، مدیر یکی از موسسات گوهرشناسی و فعال صنفی: آموزش گوهرتراشی بسیار مفید است، اما نکته اینجا است که آموزش باید صحیح و استاندارد باشد، یعنی براساس جدیدترین و روزآمدترین دستاوردهای موجود در دنیا تنظیم و ارائه شود.
کشور ما سنگ‌های بسیار ارزشمند مثل فیروزه، دمانتوئید (گارنت سبز)، عقیق و مانند آن را دارد. تراش فیروزه و عقیق بیشتر به‌صورت «دامله‌تراشی» است. این نوع کمی آسان‌تر است و در کشور ما هم به‌خوبی آموزش داده می‌شود، اما تراش‌های «فَست یا زاویه‌دار» استانداردهای خاص خود را دارد و باید به‌گونه‌ای انجام شود که گوهرسنگ بالاترین میزان بازتابش نور را پیدا کند.
بنابراین رعایت استاندارد در این زمینه بسیار مهم است و باید سنگ بهترین نوع تراش را داشته باشد. اگر کانی یا گوهر کیفیت مناسبی داشته باشد و تراش به‌شکل اصولی را روی آن انجام شود، نتیجه کار درخشان خواهد شد و تراشکار می‌تواند مستقیم به بازار کار وارد شود و درآمد خوبی هم داشته باشد.
طبیعی است که کارفرما یا صاحب سنگ، تراش سنگ‌های باارزش خود را به کسی می‌سپارد که توانایی و مهارت لازم را داشته باشد و به قول معروف «کننده» این کار باشد.
برای مثال کسی که زمرد افغانستان را وارد بازار می‌کند، آن را به‌دست هر تراشکاری نمی‌دهد و به‌دنبال کسی خواهد گشت که سنگ را به‌شکل استاندارد و با کمترین میزان ضایعات تراش دهد تا صاحب سنگ بتواند از آن به‌نحو احسن استفاده کند و به نرخ مناسب به‌فروش رساند.

▣ در آستانه ورشکستگی

ایران می‌تواند باتوجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود نقش مهمی در این حوزه بازی کند. ما از یک‌سو، در همسایگی کشورهایی مانند افغانستان و پاکستان قرار داریم که صاحب انواع گوهرسنگ‌های گران‌نرخ هستند و از سوی دیگر، در نزدیکی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌های دنیا هستیم که کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس هستند. از تهیه سنگ راف تا تراش، ساخت و مخراج کاری گوهرسنگ فرآیندی است که فرصت‌های شغلی زیادی در آن وجود دارد و اگر به حوزه صادرات آن هم ورود کنیم، درآمدی بالا و ارزآوری قابل‌توجهی خواهیم داشت. این همان موضوع تکمیل زنجیره ارزش است که در برنامه توسعه هفتم هم روی آن تاکید شده است. بنابراین کشور ما باتوجه به برخورداری از نیروی کار ماهر و دستگاه‌ها گوهرتراشی خوب و مناسب، می‌تواند کریدوری باشد که ماده خام اولیه را وارد کند و بعد از فرآوری آن را با ارزش‌افزوده بالا روانه بازار کشورهای عربی کند، البته شرایط تحریمی هم روی این کار ما تاثیر گذاشته است، اما باز هم امکان احیای این بازار وجود دارد. در حال حاضر حتی برای صادرات سنگ‌های تراش‌خورده قوانین گمرکی دست و پاگیر و ناکارآمد زیادی وجود دارد. بعضی وقت‌ها به‌علت نبود کارشناس باتجربه و در جایگاه درست (چه در گمرک و چه در بخش‌های مالیاتی) آنقدر تعرفه‌های بالایی وضع می‌شود که از نرخ خود سنگ بالاتر است و ارزشی ندارد که روی صادرات آن کار شود.

▣ نهاد مسئول کیست؟

چند ارگان با هم در این زمینه مسئولیت دارند. برای مثال درباره جواهر، مسئولیت قوانین مربوط به سنگ، برعهده یک سازمان است و پایه آن برعهده سازمانی دیگر. باید قوانین موجود تجمیع و ضوابط درست و استانداردی مکتوب شود که براساس آن صادرکننده، تکلیف خود را بداند.

▣ پیگیری انجمن

از طرف انجمن صنفی گوهرسنگ ایران هم در حال پیگیری هستیم و جلسات متعددی گذاشته‌ایم و تمام تلاش خود را انجام می‌دهیم که این موانع را از سر راه برداریم.

▣ گوهرتراشی در دانشگاه

در حال حاضر آموزش‌های کوتاه‌مدت وجود دارد که در برخی مجموعه‌ها با همکاری دانشگاه خوارزمی در حال برگزاری است. برای مثال دوره‌های گوهرشناسی، گوهرتراشی، طلاسازی، طراحی جواهر که زیرنظر وزارت علوم است و سرفصل‌ها آکادمیک و دانشگاهی است، اصولی آموزش داده می‌شود و در نهایت گواهی پایان دوره کوتاه‌مدت ارائه می‌دهد. در دانشگاه هم رشته کارشناسی‌ارشد گوهرشناسی وارد رشته‌های دانشگاهی شده است.

سخن پایانی

کارشناسان می‌گویند ایران تاریخچه‌ای ۱۱هزارساله در معدنکاری و قدمتی ۵ هزار ساله در گوهرتراشی دارد، اما در حال حاضر و باوجود اینکه تمام زنجیره ارزش‌افزوده گوهرسنگ را دارد، در میان ۱۸۰ کشور فعال در این صنعت، رتبه ۱۰۵ را به خود اختصاص داده است. جای آن است که از متولیان امر بپرسیم که چرا دستاورد ما از این صنعت پررونق، چنین ناچیز مانده است و چرا نتوانسته‌ایم به جایگاه مناسبی در این حوزه دست پیدا کنیم؟

یادداشت

بانک‌ها از مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند



احسان پیری
کارشناس و فعال معدن

در حوزه معدن ابتدا به ساکن و قبل از هر اتفاقات دیگری باید فرهنگسازی رخ دهد. تا وقتی نگاه عمومی نسبت به معدن،همچون حوزه‌ای غارتگر است، امیدی نیست اوضاع رو به بهبود برود.
اگر فرهنگ عمومی تغییر کند، دیدگاهی به‌روز جایگزین آن شود و مردم، معدن را سرمایه ملی بدانند، می‌توانند نقش جدی‌تری در حوزه اقتصاد کشور ایفا کنند.
برای روشن‌تر شدن موضوع به این نکته توجه کنید که در حال حاضر نگاه مردم نسبت به نفت چیست؟ آیا آن را منبع درآمد همه کشور نمی‌دانند؟ به صنعت معدن هم باید از این زاویه نگاه کرد تا گره‌های ریز و درشت این حوزه باز و زمینه کار و فعالیت مهیا شود.
پیش از این قرار بود معدن جایگزین نفت شود، اما به‌واسطه همین سوءظن فرهنگی که نسبت به آن وجود داشته و دارد؛ بی‌سرانجام ماند.
اگر روزی نگاه به این حوزه تغییر کند، خواه‌ناخواه متخصصان بیشتری به این صنعت ورود خواهند کرد و کسب‌وکار در این حوزه بازار بهتری پیدا می‌کند، رقابت ایجاد می‌شود و همه گپ و گیرهای کار کامل مشخص خواهد شد.
برای رسیدن به این جایگاه، باید اعداد و ارقام درست و شفاف شود و سازمان‌های دولتی و معدن‌های بخشی خصولتی و حاکمیتی باید در این مسیر پیشقدم شوند تا همه در مسیر جلب‌اعتماد قدم بردارند.
پس نگاه عمومی باید در این حوزه تغییر پیدا کند تا مسیر هموار شود و اتفاقات لازم به‌تدریج و خواه‌ناخواه اتفاق بیفتد.
به‌واسطه همین فضای بی‌اعتمادی است که بسیاری از حمایت‌ها یا قوانین این حوزه زیرپا گذاشته می‌شود.
به‌عنوان مثال، می‌توان به موضوع دریافت وام از سیستم بانکی اشاره کرد. گفته می‌شود وقتی استانداردهای اولیه درباره تنظیم طرح اقتصادی معدن رعایت نمی‌شود، بانک‌ها نمی‌توانند پروانه بهره‌برداری را به‌عنوان وثیقه قبول کنند.
وقتی پروانه بهره‌برداری روی میز گذاشته می‌شود، می‌توان به‌راحتی میان سرمایه‌گذاری که تخصص و نگاه معدنی دارد و سرمایه‌گذاری که تازه تصمیم گرفته است، وارد گود معدنداری شود، تفکیک قائل شد.
فردی که تخصصی در حوزه معدن دارد، خودش اعتبارسنجی‌های لازم را به‌عمل می‌آورد و در نهایت ریسک کار را می‌پذیرد، اما آن سرمایه‌گذاری که در این حوزه تخصصی ندارد، در عمل دید درستی به کار ندارد و بی‌گدار به آب می‌زند. افرادی هم هستند که پول مازادی دارند و می‌گویند ما می‌خواهیم معدندار شویم و هرچه پیش آید، خوش آید.
اما اینکه بانک‌ها از پذیرش پروانه به‌عنوان وثیقه بانکی سر باز می‌زنند، ارتباطی به طرح اقتصادی معدن ندارد.
واقعیت این است که بانک‌ها از اینکه یک سند معتبر داخلی را بپذیرند، در عمل شانه خالی می‌کنند و قانون را زیر پا می‌گذارند. چطور زمانی که فردی سند خانه خود را به‌عنوان وثیقه ارائه می‌دهد، بانک براساس داده‌هایی که شهرداری آنها را تایید کرده است، با پرداخت وام موافقت می‌کند، اما درباره پروانه‌ای که داده‌های آن را وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت تایید کرده، از عمل به قانون سرپیچی می‌کند؟ ایراد دقیق از همین جا است که بانک نمی‌تواند یا نمی‌خواهد، به موضوع ورود پیدا کند. حتی باوجود اینکه ما بانک تخصصی صنعت و معدن داریم، اما در این بانک هم باز نمی‌توان پروانه بهره‌برداری را به‌عنوان وثیقه ارائه داد. برای تغییر این نگاه، باید معدندارانی که به‌صورت تخصصی در این زمینه فعالیت می‌کنند، به مسئولان فشار آورند و به‌جد بخواهند که بانک‌ها را وادار کنند به وظیفه قانونی خود عمل کنند. در این زمینه حمایت دولت ضروری است تا سیستم بانکی بالانرخ مجبور شود تا پروانه بهره‌برداری را طبق نص قانون به‌عنوان وثیقه معتبر بپذیرد. اگر روزی روزگاری شاهد این باشیم که مشکل بانک و معدن حل شود، اعتبار خاصی در زمینه سرمایه‌گذاری در این بخش به‌وجود می‌آید، زیرا یکی از مواردی که سرمایه‌گذار در طرح بررسی می‌کند، امکان گرفتن تسهیلات است. خواه زودبازده باشد یا بلندمدت، با سود پایین، بالا یا انواع دیگر، همه می‌تواند رونقی به سرمایه‌گذاری در بخش معدن ببخشد.
اما هنوز هیچ اقدامی برای حل این مشکل که یکی از موانع اصلی و پایه‌ای در فعالیت معدن است، انجام نگرفته است و همچنان بانک‌ها از مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند و در نهایت اتفاقی که باید بیفتد، نمی‌افتد.

نقش آموزش و استاندارد در ایمنی معادن

هفته گذشته رسانه‌ها خبر وقوع انفجار در معدنی در استان «بارتین» شمال ترکیه را منتشر کردند. گفته شد هنگام وقوع حادثه، حدود ۱۱۰ نفر در معدن حضور داشتند و کمابیش نیمی از آنها در عمق بیش از ۳۰۰ متری زمین بودند. پیش از این، در کشور خودمان نیز بارها شاهد بروز حوادث مشابهی بوده‌ایم که از جمله آنها می‌توان به انفجار معدن زغال‌سنگ زمستان یورت، باب‌نیزو و هجدک زرند اشاره کرد. یدالله زمانی فعال کارگری معدن زغال‌سنگ درباره علت انفجار در معادن گفت: این اتفاق بیشتر بر اثر نشت گاز متان رخ می‌دهد که حجم آن در داخل معادن زغال‌سنگ زیاد است. این گاز در تمام رگه‌های زغال‌سنگ به‌شکل طبیعی تولید و گاهی در حفره‌های پشت لایه زغال حبس می‌شود. وی افزود: میزان این گاز در برخی معادن بیشتر و در برخی دیگر کمتر است. برای مثال درصد گاز معادن هجدک، اشکلی و باب‌نیزو استان کرمان بسیار بیشتر از پابدانا، هشونی یا همکار است. به گفته این فعال معدنی وقتی برای دسترسی به لایه‌های زیرین زغال به اعماق زمین می‌رویم، میزان انتشار گاز بیشتر می‌شود و بدیهی است که باید هوا به‌شکل بهتری جریان یابد و تهویه شود. برای تهویه تونل‌ها باید هوا از بالا به داخل فرستاده و بعد از طریق دوپل (گزنگ) به بیرون هدایت شود تا جریان مطلوبی ایجاد کند.
زمانی با اشاره بر معدنکاری سنتی در ایران افزود: یکی از مهمترین مشکلات در معادن ما کار به‌شکل سنتی است و برای جلوگیری از اینگونه حوادث باید به سمت بهره‌برداری مکانیزه پیش رفت. به‌علاوه اینکه آموزش و رعایت استانداردهای لازم می‌تواند تا حدی از بروز این دست از مشکلات جلوگیری کند.



یادداشت

به عمل کار برآید



سیدروح‌الله لطیفی
کارشناس گمرک

روشن است سیاست‌گذاری، هم در حوزه تولید، صادرات و تجارت خارجی و هم در حوزه تنظیم بازار داخلی برعهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است و جزو مکانیزم‌هایی به‌شمار می‌رود که برای کنترل بازارها در نظر گرفته می‌شود.در بحث کارشناسی، صاحب‌نظران تحلیل‌های متفاوتی دارند. گروهی معتقد هستند باید از فرصت‌های موجود استفاده کرد.برای مثال زمانی که عرضه محصولات فولادی کم شد و نرخ جهانی به دلیل جنگ اوکراین و روسیه افزایش پیدا کرد، باید بازارهای جهانی را جدی‌تر می‌گرفتیم.اما گروهی دیگر می‌گویند که وقتی کشش برای خرید یک کالا در خارج از ایران افزایش پیدا کند و نرخ در داخل کشور کمتر باشد یا عرضه در بازار آن‌قدر کم شود که با هرگونه افزایش قیمتی، باز هم تقاضا وجود داشته باشد، ممکن است همه کالاها به‌سمت صادرات برود و بازار و صنایع داخلی نتوانند منابع موردنیاز خود را تامین کنند. تنها برای روشن‌تر شدن موضوع، محور اصلی ارزآوری، اعمال سیاست‌های مرتبط و مناسب است؛ سیاست‌هایی که علاوه بر حفظ سهم بازار داخلی مانع از دست رفتن بازارهای صادراتی شود و رونق بیشتری ایجاد کند.عوارض صادراتی در دنیا مرسوم است و در بیشتر کشورها، همین روال وجود دارد تا بازار داخل را به نقطه ثبات برساند و در عین حال ممانعتی برای صادرات ایجاد نکرده باشد. به‌عبارت ساده‌تر، هزینه صادرات افزایش پیدا می‌کند تا بازار داخلی از دست نرود.وضع عوارض علاوه بر جنبه حمایتی، گاهی هم جنبه تنبیهی دارد،برای مثال می‌توان به وضع تعرفه‌هایی اشاره کرد که در چند سال اخیر برای کالاهای چین و امریکا وضع شده بود که از آن با نام جنگ تجاری یاد می‌شد.در این روش به‌جای اینکه بگویند صادرات کالایی ممنوع است، تعرفه‌ها را افزایش می‌دهند تا خودبه‌خود صادر کردن آن مقرون‌به‌صرفه نباشد.در تاریخ آمده است که در انگلستان قرن نوزدهم، سیاست‌ها کاملا کنترل‌شده بود و طبق نظریه سوداگرایی یا مرکانتیلیستی، خروج مواد اولیه، طلا، نقره و مانند آن ممنوع، اما ورودشان مجاز بود؛ این سیاست بستر انقلاب صنعتی را در انگلستان مهیا کرد. بعدها که این کشور توانست دست برتر را در اقتصاد دنیا داشته باشد، چون می‌دانست کالاهایی که تولید می‌کند، صنعتی است و از این نظر مزیت مطلق یا نسبی دارد، پس از این مرحله به بعد بود که تازه داعیه‌دار اقتصاد آزاد شد.در این دوره با رونق فولاد و خط‌آهن و کم شدن مزیت حمل‌ونقل دریایی، فرصتی طلایی برای جهش این کشور به‌وجود آمد، اما آلمان هم وارد رقابت شد و در نهایت جرقه جنگ جهانی اول و دوم زده شد.امریکا به‌سبب انزوای کامل و دخالت محدود در ۲ جنگ جهانی، از فرصت پیش‌آمده استفاده کرد و اقتصاد خود را رونق بخشید و با صنایع پیشرفته‌ای که ایجاد کرد، به رشد و توسعه چشمگیری دست یافت و توانست چه در حوزه پولی و مالی و چه در حوزه امنیتی، در جهان نقش‌آفرینی کند.هرچند شرایط امروز با گذشته متفاوت است، اما این کشورها همچنان از همین سازکار ارتزاق می‌کنند و مطمئنا در هر حوزه‌ای که بخواهند پیشرفت کنند، راه را بر دیگران می‌بندند و مانع ایجاد می‌کنند.یکی از روش‌های آشنای آنها، تحریم کشورهایی است که می‌خواهند توسعه پیدا کنند. برای مثال در حوزه تسلیحاتی در واقع بحث صلح و امنیت جهانی مطرح نیست، چون در هر جایی که صلاح بدانند و به هر روشی که بخواهند، صلح و امنیت جهانی را به‌هم می‌زنند. این هیاهو تنها توجیهی است برای اینکه یک‌سری از صنایع و محصولات در اختیار کشورهایی که علاقه‌مند به توسعه هستند، قرار نگیرد. در تجارت مباحث مرتبط با اخلاق یا موضوعات و مراودات سیاسی نقشی بازی نمی‌کنند. آنچه در تجارت بین‌الملل اهمیت دارد، موضوع عرضه و تقاضا است. اگر ایران از یک‌طرف، مدیریتی درست و علمی و از طرف دیگر، صادرات هوشمندانه و مستمر داشته باشد، خام‌فروشی نکند، بتواند صنایع و محصولاتی را عرضه کند که در بازارهای جهانی مزیت مطلق یا نسبی و ارزش‌افزوده داشته باشند، می‌توان چشم‌انتظار پیشرفت بود. می‌توان با درگیر کردن دانشگاه با بخش تولید و صادرات، توانمندی‌های خود را در این زمینه ارتقا داد و منافع کشور را تامین کرد. این فرآیند همان بحث ارتباط با دانش‌بنیان‌ها است که امیدواریم هرچه زودتر اتفاق بیفتد و از مرحله شعار به‌عمل درآید.

حاشیه‌های صادرات و عوارض در زنجیره فولاد ادامه دارد

اشتباهات استراتژیک در حوزه سنگ آهن

گروه معدن

در خبرها آمده بود که هند به‌تازگی تعرفه‌های سنگین صادرات فولاد و مواد اولیه فولادسازی و عوارض صادراتی سنگ‌آهن و گندله با عیار بالا را حذف کرده است. این تصمیم که پیش‌تر با عنوان «الگوبرداری هند از ایران در وضع عوارض صادراتی» نام‌گرفته بود، پس از ماه‌ها شکایت معدنکاران و فولادسازان هندی لغو شد. دولت هند در نظر داشت با وضع این عوارض به کنترل تورم و قیمت‌ها بپردازد، زیرا با جنگ روسیه و اوکراین، قیمت فولاد به‌شدت افزایش‌یافته بود و عوارض صادراتی منجر به افزایش عرضه داخلی می‌شد و در نتیجه فشار نزولی بر قیمت‌ها وارد می‌کرد. اما از دست رفتن بازارهای خارجی موجب نارضایتی معدنکاران و تولیدکنندگان شده و صادرات محصولات آهن و فولاد هند را با کاهش چشمگیری مواجه کرده بود. حال، با حذف عوارض صادراتی، انتظار می‌رود صادرات آهن و فولاد هند افزایش یابد که موجب بهبود بازار داخلی گندله و فولاد این کشور شود. این خبر در رسانه‌های تخصصی کشور ما هم بازتاب گسترده‌ای داشت. به این بهانه «روزگار معدن» از آنوش رحام، کارشناس گمرک و عباسعلی حقانی‌نسب، کارشناس مسائل اقتصادی پرسید چه زمانی و چگونه می‌توان از وضع و رفع عوارض صادراتی برای مدیریت بازار استفاده کرد؟



عکس: روزگار معدن

> یکی از دلایل افزایش نرخ ارز تصمیمات نابخردانه دولت به‌ویژه وزارت صمت در حوزه اعمال تعرفه‌های صادراتی بود که درنتیجه آن صادرات فولاد در زمان طلایی کاهش پیدا کرد و درآمدهای ارزی افت چشمگیری داشت

سنگ‌آهن، از مهمات تولید است



آنوش رحام، کارشناس گمرک و دبیر سندیکای لوله و پروفیل: نه‌تنها ما که در تمام دنیا هیچ کشوری درزمینه تجاری، مهمات رقبای خود را تامین نمی‌کند و سنگ‌آهن هم یکی از همین مهمات در زنجیره فولاد است که از استراتژیکی‌ترین کالاهای تولیدی به شمار می‌رود. در کشور ما به دلیل چشم‌انداز فولادی که برای سال‌های آینده تنظیم‌شده است، نیاز مبرمی به سنگ‌آهن مگنتیت با عیارهای متوسط و بالا وجود دارد.

کشوری مانند ترکیه به‌طورکلی از طریق واردات ضایعات اقدام به تولید فولاد می‌کند و بااینکه نه مزیت برق و نه امتیاز انرژی ما را دارد، بازهم در بازار منطقه به‌صورت رقابتی فولاد تولید می‌کند و ظرفیت تولیدش هم از ما بالاتر است. متاسفانه چون نگاه بالادستی دولت همیشه بر سرمایه‌گذاری در ابتدای زنجیره و ماده خام متمرکز بوده، متاسفانه زنجیره ارزش فولاد را تکمیل نکرده است و میانه و انتهای زنجیره، که کالاهایی باارزش افزوده بالاتر را تولید می‌کند، در اختیار بخش خصوصی است و صنایع تکمیلی، مقاطع طویل فولادی و لوله و پروفیل و امثال آن را تولید می‌کند.

▣ مثل هوا برای تنفس

اما این‌که سنگ‌آهن چقدر در کل این زنجیره اهمیت دارد، می‌توان گفت مثل هوا برای نفس کشیدن در صنعت فولاد است. اگر سنگ‌آهن وجود نداشته باشد، تمام طرح‌های فولادی متوقف می‌شود. این در حالی است که ما بنا داریم در سال ۱۴۰۴ به ظرفیت عظیمی در تولید فولاد برسیم.

بنابراین با شرایط فعلی و ذخیره سنگ‌آهن موجود، به‌زودی کمبود هم خواهیم داشت و احتمال دارد نیاز به واردات سنگ‌آهن هم داشته باشیم. علاوه بر این صنایع تولیدی کنسانتره و گندله هم طرح‌های توسعه‌ای دارند. بنابراین نیاز مبرمی هست تا هم سنگ‌آهن موجود خودمان را صادر نکنیم (زنجیره ارزش را ادامه دهیم تا با قیمت بالاتری به بازار صادراتی برسد) و در کنار آن برنامه‌هایی برای تولید آهن اسفنجی از سنگ‌آهن مگنتیت را در کشورمان سرمایه‌گذاری کنیم زیرا این بخش سرمایه‌گذاری بالاتری نیاز دارد و در حال حاضر هم مزیت چندانی نسبت به سنگ‌آهن هماتیت ندارد.

▣ صادراتی کم‌ارزش

متاسفانه صادرات سنگ‌آهن اساسا ارزشی ندارد زیرا به‌طور میانگین صادرات هر تن کالای ما در حال حاضر به حدود ۵۰۰ دلار رسیده است. در بازاری که قیمت فولاد در محدوده ۶۰۰ یا ۷۰۰ دلار است، صادر کردن سنگ‌آهن، به معنای واقعی یک اشتباه بسیار استراتژیک است و برداشتن عوارض آن هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت.

اکثر کسانی که در حوزه صادر این ماده فعالیت می‌کنند، چنین استدلال می‌کنند که کشورهای دیگر هم تولیدات سنگ‌آهن خود را صادر می‌کنند.

در پاسخ باید گفت درست است که کشورهایی مانند استرالیا و هند (که ذخایر بزرگی دارند) سیاست صادرات این محصول را هم در پیش گرفته‌اند، اما در مورد کشور ما، که باید سنگ‌آهن را صادر کنیم و بعد برای مصرف داخلی همین محصول را با چند درصد بالاتر از چین دوباره وارد کنیم، منطقی نیست. چرا باید یک چنین هزینه عظیمی را که هزینه‌های حمل‌ونقل و یارانه هم به آن اضافه می‌شود، پرداخت کنیم و درعین‌حال وارد معامله‌ای بشویم که انتهای آن‌هم چیزی جز ضرر برای کشور ما نیست.

▣ نگاه هندی، نگاه ایرانی

قطعا اگر کشوری مانند هند اقدام به حذف عوارض صادراتی می‌کند، دلایل خاص دیگری دارد. هندی‌ها نگاه استراتژیک به صنایع خود دارند و در این کشور صنعت ریخته‌گری و صنایع فولادی ریشه دارد، با توجه به این اصل برای تصمیم خود دلایلی دارند.

کشور ما نباید ساختار خود را با هند مقایسه کند زیرا از هیچ حیث شباهتی به آن کشور نداریم. نه ازنظر تولید فولاد، نه از حیث ساختار معادن و نه از جهت ساختار تجارت.

به‌ویژه در حال حاضر که شرایط تحریمی را پشت سر می‌گذاریم و واردات هر کالایی برای ما هزینه مضاعفی دارد (که در کشورهای دیگر این هزینه پرداخت نمی‌شود) بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه از صادرات کالاهایی که خوراک تولیدات صنعتی کشورمان است، جلوگیری کنیم.

تنظیم‌گری در حوزه اقتصاد



عبا سعلی حقا نی نسب ، کارشناس مسائل اقتصادی: در پاسخ به اینکه تعرفه صادراتی به چه منظوری در نظر گرفته می‌شود و چرا برداشته می‌شود باید گفت تعرفه نوعی مالیات است و استفاده از تعرفه چه برای صادرات و چه برای واردات کارکرد تنظیم‌گری در حوزه اقتصاد است.

این نوع مالیات‌ها به این منظور اخذ می‌شوند تا اقتصاد، فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری را به جهت خاصی هدایت کنند به‌این‌ترتیب است که دولت از ابزارهای تعرفه استفاده می‌کنند و تعرفه واردات، صادرات و مالیات را به این منظور افزایش یا کاهش می‌دهد. مثلا بعضی از حوزه‌ها را از مالیات معاف می‌کنند و بر برخی از حوزه‌ها مالیات بیشتری وضع می‌کنند یا اگر قرار است مصرف کالایی مثل سیگار در بازار داخلی کاهش پیدا کند، مالیات بسیار بیشتری برای آن در نظر گرفته می‌شود.

▣ مبارزه با خام‌فروشی

درواقع تعرفه‌های صادراتی بر مواد معدنی هم با دو هدف تنظیم‌شده بود. اول جلوگیری از خام‌فروشی، زیرا خام فروشی یعنی فروش محصولات با ارزش افزوده کمتر. به این منظور تلاش شد تا مواد اولیه در کشور خودمان مراحل فرآوری را سپری کند و محصولات پایین‌دستی باارزش افزوده بالاتر صادر شود. نکته دیگر هم این بود که دولت از این محل درآمد گمرکی هم به دست آورد تا با آن بخشی از کسری بودجه خود را جبران کند. البته باید گفت اگر دولت نگاه دوم را مدنظر داشته باشد، سم مهلکی برای اقتصاد است.

▣ این گونی سوراخ است

متاسفانه ما در حوزه وضع تعرفه‌ها، زیر گونی را باز گذاشته‌ایم و سوراخ‌های روی آن را می‌گیریم. زیرا گونی آنجایی است که ما برای حوزه تولید مالیات‌های سنگینی وضع کرده‌ایم (به‌عنوان‌مثال هم مالیات عملکرد می‌گیریم و هم مالیات حقوق کارکنان، حقوق دولتی، تعرفه صادرات و ...) اما حوزه سوداگری را رها کرده‌ایم و مالیاتی از آن گرفته نمی‌شود. به‌ویژه مالیات سوداگری کالاهای مصرفی مردم.

حتی در دولت و مجلس فعلی هم باوجود اینکه ادعای حمایت از تولید مطرح می‌شود، اما همچنان حوزه سوداگری کالاهای مصرفی مردم به‌ویژه زمین، مسکن، ارز، طلا، خودرو و ... مالیاتی نمی‌پردازند.

به نظر من چون هدف دولت در وضع این عوارض، کنترل قیمت داخلی و کسب درآمد بوده است، تعرفه‌هایی را با اسم حمایت از تولید داخلی و فعال کردن زنجیره‌های بعدی معدن اعمال کرد، اما در مرحله بعد روشن شد که جذابیت صادرات را کاملا از بین برده است. در حال حاضر به دلیل اینکه بیش از ۹۸ درصد ثروت و درآمد کشور جذب حوزه‌های سوداگرانه و سفته‌بازی به‌ویژه در حوزه زمین، ملک، خودرو، ارز و طلا و ... شده است، در حوزه‌های تولید به‌ویژه معدن تشکیل سرمایه اتفاق نیفتاده است.

وقتی مشاهده کرد این تصمیم هم مزید بر علت شده و جذابیت سرمایه‌گذاری در حوزه معدن بیش‌ازپیش کاهش پیداکرده است و موجب شد درآمدهای ارزی کشور تحدید شود، بالاخره به نادرستی این تنظیم‌گری واقف شد و ناچار به حذف عوارض روی آورد.

▣ تیشه به ریشه تولید

فرآیند تبدیل مواد خام معدنی به محصول، نیاز به سرمایه‌گذاری و انگیزه سرمایه‌گذاری دارد و تا زمانی که برای حوزه تولید جذابیت وجود نداشته باشد و در عوض دلالی و سوداگری حوزه جذابی باشد، قطعا رشدی درزمینه تولید و معدن اتفاق نمی‌افتد.

سرمایه‌گذاری‌هایی موجود هم که پس از مدتی به مرحله صادرات رسیده است و می‌توانند امروز ارزی به کشور وارد کنند، با وضع عوارض از انجام کار بازمی‌مانند. به‌این‌ترتیب تیشه به ریشه تولید زده می‌شود و زمینه‌ای فراهم می‌آید که درآمدهای ارزی به‌شدت کاهش پیدا کند.

این در حالی است که تقاضای ارز برای سایر نیازها وجود دارد، بنابراین قیمت ارز در بازار افزایش پیدا می‌کند و به‌تبع آن تمام محصولات و کالاهای مصرفی مردم از خودرو و مسکن گرفته تا کالاهای مصرفی، غذا، دارو و... را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اتفاقی که این روزها عینا شاهد هستیم. یکی از دلایل افزایش نرخ ارز همین تصمیمات نابخردانه دولت و به‌ویژه وزارت صمت در حوزه اعمال تعرفه‌های صادراتی بود که درنتیجه آن صادرات فولاد در زمان طلایی کاهش پیدا کرد و درآمدهای ارزی افت چشمگیری داشت و همین باعث شد که فشار بر بازار ارز بیشتر شود.

سخن پایانی

کارشناسان می‌گویند در همه کشورها بازار داخلی خود را با استفاده از قوانین گمرکی تنظیم می‌کنند و ابزار کار وضع و رفع عوارض بر کالاهای صادراتی و وارداتی است که در شرایط خاص ممکن است در طول یک هفته هم دستخوش تغییر و تحول شود. بر این اساس، دولت هند هم اوایل سال جاری برای حفظ بازار داخلی خود، صادرات فولاد را مشمول عوارض قرار داد، اما باتوجه به شرایط فعلی، این کشور عوارض صادراتی را برای تعدادی از محصولات فولادی حذف کرده است. اما این نسخه تنها برای حال حاضر کشوری با مشخصات هند مفید فایده است و نمی‌توان آن را به دیگر کشورها یا زمان‌ها تعمیم داد.

یادداشت

سیاه‌وسفید اصلاحات ارزی



همایون دارابی -کارشناس بازار سرمایه: براساس قانون بودجه ۱۴۰۱ مقرر شده نرخ ارز محاسبه ارزش گمرکی کالاهای وارداتی براساس برابری نرخ ارز اعلام‌شده بانک مرکزی نرخ سامانه مبادله الکترونیکی در روز اظهار تعیین شود.

تغییر نرخ ارز مبنای گمرکی تاثیر چشمگیری بر عملکرد صنایع و تولیدکنندگان داخلی ندارد. در واقع ارز فقط به حقوق گمرکی و سایر حقوق وارداتی تخصیص می‌یافت اما در عمل نرخ نهایی محصول براساس نرخ ارز در بازار تعیین می‌شد؛ بنابراین با حذف این شرایط، امتیازی که در اختیار عده‌ای خاص قرار می‌گرفت، حذف خواهد شد.

به بیانی دیگر باید تاکید کرد اجرای چنین سیاست‌هایی درنهایت به نفع اقتصاد کشور است.

ما در کشور چند نوع ارز مبادله‌ای داریم که این تنوع خود رانت ایجاد می‌کند و درنهایت به ضرر اقتصاد کشور است؛ بنابراین انتظار می‌رود به سمت سیستم تک‌نرخی ارز پیش برویم. این تغییر زمینه بروز فساد، رانت، بیماری هلندی و بسیاری از دیگر مشکلات اقتصادی را از بین خواهد برد.

در واقع می‌توان این‌طور ادعا کرد که این‌گونه اقدامات اصلاحی در نهایت به نفع اقتصاد خواهد بود.

در همین حال نباید نگران شرایط بازار سهام و شرکت‌های بورسی که بخشی از نیاز خود به مواد اولیه یا تجهیزات را وارد می‌کنند، باشیم. در واقع باید اعتراف کرد که در حال‌حاضر موضوعات و مسائل مهم دیگری عملکرد صنایع را تحت‌تاثیر قرار داده که بررسی آنها ضروری به‌نظر می‌رسد.

هفته گذشته وزارت صنعت، معدن و تجارت بخشنامه‌ای را منتشر کرد که به‌موجب آن روی صادرات محصولات زنجیره فولاد، فلزات اساسی، پتروشیمی، سیمان و... عوارض صادراتی وضع خواهد شد.

بدون تردید این تصمیم اشتباه وزارتخانه حکایت از آن دارد که وزارت صنعت، معدن و تجارت از شعارهای دولت مبنی بر پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد، دور شده است.

عوارض یادشده در شرایطی اعمال می‌شود که مجلس شورای اسلامی معافیت صادراتی بسیاری از صادرکنندگان را حذف کرده است. بدون تردید این‌گونه اقدامات درنهایت به ضرر اقتصاد کشور است. علاوه بر این باید منتظر افت صادرات غیرنفتی در کشور طی ماه‌های آینده باشیم. از آنجاکه نرخ دلار در هفته‌های اخیر رو به افزایش رفته و تحریم نیز همچنان ادامه دارد، این‌گونه تصمیمات در نهایت به ضرر اقتصاد کشور خواهد بود. این تصمیم اشتباه زمینه ناپایداری اقتصاد را فراهم و در عین حال برنامه‌ریزی اقتصادی کشور را با چالشی جدی روبه‌رو می‌کند. یعنی به‌منزله تحمیل هزینه‌های جدید و غیرمتعارف به صاحبان صنایع و تولیدکنندگان خواهد بود.

سیاست یادشده در شرایطی مطرح‌شده که میزان تولید برخی از محصولات فلز، معدنی و... به‌مراتب بیش از نیاز بازار داخلی است؛ یعنی بازار داخلی کشش جذب تمامی محصولات تولیدشده در این زنجیره را ندارد و صادرات تنها راه تداوم تولید در این صنایع به‌شمار می‌رود.

حال با تغییر مقررات و قوانین، همین دریچه تداوم تولید و توسعه نیز از صنایع داخلی ما سلب می‌شود. در ادامه باید خاطرنشان کرد این تغییر مقررات بر عملکرد بازار سهام این مجموعه‌ها نیز اثرگذار بوده است.

کما اینکه در روز نخست پس از انتشار این خبر، شاهد فرمزپوشی بازار سهام بودیم، یعنی اثرات آن به‌سرعت در بازار سرمایه نمایان شد.

متاسفانه باید اقرار کرد که بازار سرمایه ما همچنان با ریسک تصمیم‌گیران اقتصادی مواجه است.

تصمیماتی که از سوی مسئولان اتخاذ و ناگهانی اعلام می‌شود و زمینه زیان و ضرر سرمایه‌گذاران را فراهم می‌کند. همین شرایط غیرقابل پیش‌بینی، تولید را با ریسک‌های متعددی روبه‌رو می‌کند.

در چنین بستری، صاحبان صنایع و سرمایه نمی‌توانند برای آینده خود برنامه‌ریزی کنند. همین نبود برنامه مشخص و از پیش تعیین‌شده، یکی از بزرگ‌ترین ریسک‌هایی است که عملکرد بازار سرمایه را هم متاثر می‌کند.

نوزدهمین نمایشگاه بین المللی متالورژی آغاز به کار کرد

گردهمایی ۹۰۰ شرکت داخلی و خارجی در ایران متافو

گروه معدن

نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی متالورژی ایران با حضور معاون وزیر صمت و مدیرعامل شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران افتتاح شد. به گزارش خبرنگار ایراسین، نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی متالورژی ایران با عنوان ایران متافو۲۰۲۲ با حضور سیدمحمد موسوی، معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صمت، هومن رازدار، مدیرعامل شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران افتتاح شد. این نمایشگاه که در آن بیش از ۴۰۰ شرکت داخلی و ۵۰ شرکت و نام تجاری خارجی شرکت می‌کنند، ۹ تا ۱۲ آذرماه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران در سالن‌های 38A-38-40A-40-41B-41-1/44-2/44-38B بر پا شده است



مشارکت ۵۰ شرکت خارجی در «ایران متافو»

.نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی متالوژی ایران (فولاد، صنایع معدنی، آهنگری و ماشین‌کاری، قالب‌سازی و ریخته‌گری) با عنوان ایران متافو با مشارکت بیش از ۴۰۰ شرکت داخلی و ۵۰شرکت و نام تجاری خارجی فعالیت خود را آغاز کرد. به گزارش ایراسین، این نمایشگاه از ۹ آذر ماه با مشارکت بیش از ۴۰۰ شرکت داخلی و ۵۰ شرکت و نام تجاری خارجی فعالیت خود را آغاز شد و فعالان این عرصه تازه‌ترین محصولات و دستاوردهای خود را در زمینه متالوژی، فولاد، صنایع معدنی، فلزات غیرآهنی، ریخته‌گری، کوره‌های صنعتی، عملیات حرارتی و صنایع وابسته در معرض دید عموم می‌گذارند. این نمایشگاه بزرگترین رویداد نمایشگاهی در منطقه خاورمیانه در زمینه آهن و فولاد، ریخته‌گری، قالب‌سازی، آهنگری، ماشین‌کاری، فلزات غیرآهنی، معدن و صنایع معدنی، نسوزها و سرامیک‌های صنعتی و عملیات حرارتی و کوره‌های صنعتی و معدن محسوب می‌شود. برپایه این گزارش، مواد معدنی فلزی و غیرفلزی، انواع زغال‌سنگ و کک، مشاوره و ژئوتکنیک، اکتشاف حفاری و استخراج، انواع تجهیزات معدنی، ماشین‌آلات سنگین و پیمانکاری معادن زیر بخش‌های معدن و صنایع معدنی نیز در این نمایشگاه حضور دارند و بخش نسوزها و سرامیک‌های صنعتی نیز به نسوزهای شکل‌دار، نسوزهای بی‌شکل، مواد اولیه صنعتی، عایق‌ها و مواد الیافی، سرامیک صنعتی و قطعات و تجهیزات نسوز تقسیم می‌شود.

این نمایشگاه فرصت معرفی توانمندی‌ها و محصولات، برقراری ارتباط با مشتریان، شناخت رقبا، ارتباط با تامین‌کنندگان مواد خام، فرصت جذب سرمایه‌گذار و انعقاد قراردادهای مختلف را به شرکت‌کنندگان و بازدیدکنندگان خواهد داد.

شرکت های فعال در نمایشگاه

در این نمایشگاه، شرکت‌های فعال این عرصه تازه‌ترین محصولات و خدمات خود را در زمینه متالورژی، فولاد، صنایع معدنی، فلزات غیرآهنی، ریخته‌گری، کوره‌های صنعتی، عملیات حرارتی و صنایع وابسته به نمایش می‌گذارند. در بخش آهن و فولاد (Steelexpo) شرکت‌های فولاد در زمینه مواد اولیه و مواد معدنی، فولاد خام و آلیاژهای آهن، کارخانجات آهن و فولاد، تجهیزات و ماشین‌آلات صنایع فولاد و انواع محصولات فولادی در این نمایشگاه حضور دارند. در بخش دیگر این نمایشگاه، شرکت‌های فعال در زمینه ریخته‌گری، قالب‌سازی، آهنگری و ماشین‌کاری (Castexpo) شامل انواع روش‌های ریخته گری، قالب‌سازی و انواع قالب‌ها، آهنگری و فورج، ماشین کاری و دریلینگ، آبکاری و پوشش‌دهی، جوشکاری و تجهیزات جوش و انواع روش‌های برشکاری آخرین دستاوردهای خود را در معرض دید عموم قرار می‌دهند. همچنین در بخش فلزات غیرآهن (Noferexpo)، فعالان حوزه آلومینیوم، مس، سرب، روی و انواع فلزات گرانبها شامل طلا، نقره، پلاتین و تیتانیوم، اکتشاف و استخراج فلزات غیرآهنی، فرآوری فلزات و تولید محصولات فلزی غیرآهنی حضور دارند. در بخش معدن و صنایع معدنی (Minexpo) شرکت‌هایی در زمینه مواد معدنی فلزی و غیرفلزی، انواع زغال‌سنگ و کک، مشاوره و ژئوتکنیک، اکتشاف، حفاری و استخراج، انواع تجهیزات معدن، ماشین‌آلات سنگین، کائه‌آرایی و فرآوری، پیمانکاری معادن دستاوردهای خود را در معرض دید عموم قرار می‌دهند. در عرصه کوره‌ها (Furnexpo)، فعالان بخش نسوزها و سرامیک‌های صنعتی (Refrexpo)، فعالان بخش انواع کوره‌های صنعتی، سرامیک‌ها، نسوزهای شکل‌دار و بی‌شکل، عایق‌ها و مواد الیافی، قطعات و تجهیزات نسوز در این نمایشگاه شرکت می‌کنند. پروژه‌های صنعت و معدن (Projexpo) بخش دیگری از این نمایشگاه است که در آن شرکت‌هایی که در زمینه انواع پروژه‌های معدنی، صنایع فولاد و فلزات غیرآهنی، پروژه‌های نیروگاهی، پروژه‌های راهسازیو عمرانی، تکمیل پروژه و طرح‌های توسعه‌ای، پروژه‌های تحقیقاتی صنعتی، سرمایه‌گذاری و تامین مالی پروژه، خدمات پیمانکاری، بیمه، مشاوره و... فعالیت می‌کنند حضور مؤثری را خواهند داشت.

سخن پایانی...

نمایشگاه‌های تجاری فرصت بسیار ارزشمندی را برای صاحبان صنایع فراهم می‌آورند تا محصولات و توانمندی‌های خود را در سطح وسیعی عرضه نموده و با فعالان حوزه‌ی کاری خود ارتباط برقرار کنند.

نوزدهمین دوره نمایشگاه بین‌المللی متالورژی (IranMetafo ۲۰۲۱) در تاریخ ۹ آذر ۱۴۰۱در محل دائمی نمایشگاه‌های بین المللی تهران آغاز درحال برگزاری است و فعالان و صاحب‌نظران را در محیطی تخصصی و تجاری گردهم آورده است.

این نمایشگاه با استقبال گسترده‌ی فعالان داخلی و بین‌المللی و اخذ تاییدیه اتحادیه جهانی نمایشگاه‌های بین‌المللی(UFI)، برگزار شده است.

در این نمایشگاه شرکت‌های صنعتی داخلی و بین‌المللی محصولات، قابلیت‌های فنی و نوآوری‌های خود را به بازدیدکنندگان عرضه می‌نمایند و از تعامل با دست‌اندرکاران صنعت و فرصت‌های موجود بهره می‌گیرند.

سند چشم‌انداز ۱۴۱۰ گل‌گهر تدوین می‌شود

توسعه در دل کویر

شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر بزرگ‌ترین تولیدکننده سنگ آهن، کنسانتره و گندله کشور است. این مجموعه معدنی و صنعتی در طول سال‌های گذشته نقش بی‌بدیلی را در توسعه استان کرمان و شهرستان سیرجان ایفا کرده است. این شرکت طرح‌های متعددی را برای توسعه حداکثری در آینده در دستور کار دارد.

نشست «آینده گل‌گهر از دیدگاه استراتژیک» با حضور مدیرعامل، معاونان و مدیران شرکت گل‌گهر، مدیران عامل شرکت‌های منطقه گل گهر و مدیران ارشد شهرستان سیرجان برگزار شد. در این گردهمایی از سند چشم‌انداز ۱۴۱۰ گل گهر رونمایی و این سند موردبررسی و تشریح قرار گرفت. در ادامه نیز میثاق نامه همدلی برای تحقق این سند چشم‌انداز به امضای مدیران عامل شرکت‌های منطقه گل‌گهر و شرکت‌های تابعه رسید.



عکس: روزگار معدن

دورنمای روشن در انتظار گل گهر



ایمان عتیقی مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در این نشست تاکید کرد: با محقق شدن سند چشم‌انداز ۱۴۱۰، شرکت گل‌گهر به یکی از شرکت‌های بزرگ معدنی و صنعتی بین‌المللی تبدیل خواهد شد.

مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در این مراسم با تاکید بر اینکه پروژه‌ها، اقدامات و طرح‌های توسعه گل‌گهر همواره بر اساس برنامه‌های استراتژیک این شرکت مسیر خود را پیموده است، گفت: پس از تنظیم و اجرای سند چشم‌انداز ۹۸ گل‌گهر، در دوره‌های متفاوت برای توسعه فراز و نشیب‌های زیادی به وجود آمد اما همواره سعی شده بر سندهای چشم‌انداز پایبند باشیم تا مسیر خود را به‌خوبی طی کند.

عتیقی خطاب به حاضرین، مدیران و مسئولین شرکت‌های منطقه اظهار کرد: بعدازاین شما جوانان و تلاشگران به‌عنوان مدیران و نقش‌آفرینان حال و آینده منطقه بر چشم‌انداز، تحقق سند چشم‌انداز، حرف‌ها و میثاق‌هایی که امروز می‌بندیم بایستید و نگذارید توسعه تغییر کند. گل‌گهر می‌تواند در تحقق سند چشم‌انداز الگویی برای کشور باشد.

لزوم حمایت از مدیران صنعتی و اقتصادی



رئیس حوزه قضایی شهرستان سیرجان نیز در این نشست ضمن تقدیر از تلاش‌های شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در عرصه تولید و اقتصاد گفت: حمایت از مدیران صنعتی و اقتصادی شهرستان که دغدغه تولید دارند را وظیفه خود می‌دانیم. حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدی مدیران شرکت گل هر را فرماندهان جبهه تولید و اقتصادی دانست و افزود: با افراد هنجارشکنی که قصد تخریب مواضع تولیدی و مدیران فعال اقتصادی شهرستان رادارند، برخورد خواهیم کرد. وی ادامه داد: معتقدیم مدیران معدنی و صنعتی هر چه در جبهه اقتصادی و تولید فعال باشند و پشتیبانی شوند، در جبهه‌های دیگر کشور، اثرات مثبت آن دیده می‌شود.

گل گهر پیشرو در تولید



حمیدرضا فولادگر رئیس هیات مدیره شرکت گل‌گهر نیز در این مراسم راه برون‌رفت از شرایط موجود را تولید دانست و گفت: از بعد اقتصادی، حمایت از تولید بهترین راه توسعه و بهبود شرایط است. از بعد اجتماعی نیز تولید با اشتغالزایی می‌تواند بیکاری را بهبود بخشد. جامعه‌ای که در حال تولید باشد، جامعه پویایی است و بهترین راه امیدوارکردن جوانان نیز تولید است.

فولادگر همدلی، انسجام و همت مدیران و کارکنان منطقه گل‌گهر را در راستای تحقق سند چشم‌انداز گل‌گهر مؤثر دانست و افزود: در جلسات مسئولان شاهدیم مجموعه گل‌گهر را به لحاظ پیشران بودن و پروژه‌های مهم و پیشرانی که دارد، گل سرسبد تولید و صنعت فولادی کشور می‌دانند. بنابراین انتظار می‌رود همه مسئولان از عملکرد این مجموعه حمایت کنند.

حرکت به سمت آینده



معاون امور اقتصادی استانداری کرمان نیز در این گردهمایی گفت: کسانی در اقتصاد موفق‌تر خواهند بود که پیش‌بینی بهتری از آینده داشته باشند و بتوانند با برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت آینده را بسازند. حسین مهرابی با تقدیر از توجه مدیران منطقه گل‌گهر به آینده و چشم‌انداز آتی افزود: گل‌گهر روند و مسیر آینده را به‌خوبی طی می‌کند. برگزاری چنین نشست‌هایی مدیران منطقه را با سندها و برنامه‌ریزی‌های آتی این شرکت آشنا می‌کند. انتظار می‌رود با توسعه چنین نشست‌هایی مدیران نیز درگیر فرآیند توسعه شوند تا قدمی مثبت در اجرای بهتر پروژه‌ها بردارند.

سخن پایانی

منطقه معدنی و صنعتی گل‌گهر با داشتن ذخایر غنی از سنگ آهن به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین قطب‌های فعال معدنی و صنعتی در ایران و خاورمیانه مطرح است. این شرکت از امکان لازم برای تبدیل‌شدن به یک منطقه بزرگ و رقابتی در سطح ایران و حتی جهان برخوردار است. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر یکی از شرکت‌های فعال این منطقه است که نقش مهمی در سیاست‌گذاری و مدیریت منطقه را بر عهده دارد. این شرکت در حال حاضر به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده کنسانتره و گندله کشور شناخته می‌شود. با اجرای پروژه‌های توسعه و بهینه‌سازی خطوط شرکت در افق چشم‌انداز، مجموع تولیدات سالانه این مجموعه معدنی و صنعتی به بیش از ۳۰ میلیون تن خواهد رسید. این شرکت به‌منظور توسعه زنجیره ارزش خود با تأسیس شرکت‌های فولادی سهم خود را در تولید محصولات فولادی نظیر آهن اسفنجی توسعه داده است. علاوه بر این به فرایند تولید فولاد نیز ورود کرده است. بدین ترتیب انتظار می‌رود این شرکت در آینده نزدیک به اولین منطقه‌ای در ایران بدل خواهد شد که کلیه فرآیند تولید از معدن تا محصول نهایی را در یک منطقه در کنار هم قرار داده است.



یادداشت

صادرات راهکاری برای گذر از اقتصاد بیمار



مجید سعیدیان
فعال صنعت فولاد

صادرات غیرنفتی یکی از راهکارهای رشد تولید ناخالص داخلی در کشـور اسـت و امکانی را برای گـذر از یک اقتصاد وابسـته به اقتصادی سـالم و با درآمـد پایدار فراهم می‌کنـد. تولید در زنجیره فـولاد یکی از راهکارهای اساسـی و اثرگذار برای ارتقای سطح صادرات غیرنفتی کشور است، چراکه در طول سـال‌های گذشته سرمایه قابل‌توجهی به توسعه زنجیره فولاد ما اختصاص داده شده است. ظرفیت احداث شده در این صنعت به‌مراتب بیش از نیاز بازار داخلی برآورد می‌شود؛ بنابراین ارتقای فروش اغلب محصولات تولیدشـده در این بخش، راهکاری بـرای تداوم تولید و توسـعه در زنجیره فولاد محسوب می‌شود.

صادرات فولاد و محصولات فـولادی به‌ویژه در سـال‌های اخیر که تحریم‌هـای خارجی از میزان فروش نفت کشور و ارزآوری حاصل از آن کاسته، اهمیت بیشـتری یافته اسـت. در واقع از ظرفیت صادراتـی این صنعت می‌توان برای جبران کمبود ارز ناشی از کاهش صادرات نفتی استفاده کرد.

با ایـن وجود نبایـد از چالش‌هـای پیش روی صـادرات نیز غافـل بود. موانع ناشـی از تحریم و نبـود تعامل در روابط بین‌المللی، نوسـانات بالای نرخ ارز، نبود نظام ارزی مشخص، افزایش مداوم و خارج از برنامه هزینه تولید، نبود بازاریابی مناسب و مسـتمر، ضعف دستگاه دیپلماسی اقتصادی و... از مهم‌ترین چالش‌هـای پیش‌روی صادرات فولاد کشور هستند.

علاوه بر این سیاسـت‌های حاکم بر بخش تولید و تجـارت برای مدت زمان طولانی دوام نمی‌آورند و همین موضوع نیـز عملا تولید در زنجیره فولاد را تحـت تاثیر منفی قرار می‌دهـد. به‌عنوان مثال در ماه‌های نخسـت امسـال شـاهد وضع عوارض صادراتی روی فـولاد و محصولات فولادی بودیم. این سیاسـت بـرای مدت زمـان طولانـی ادامه نیافـت اما در همان بـازه زمانی، لطمات غیر قابل جبرانی را به تولیـد و تولیدکننده تحمیل کرد یا در ماه‌های گذشـته بارها قوانیـن حاکم بر تولید و فروش محصـولات فولادی تغییـر کرده‌اند. در چنین شرایطی عملا امکان برنامه‌ریزی برای آینده منتفی می‌شود.

نبـود تجهیزات و فناوری‌های نوین دیگر چالش فعالان صنعتی در کشور است. نبود تجهیزات نوین بهره‌وری تولید را کاهش می‌دهد و از رقابت‌پذیری فولادسـازان ایرانی در بازار جهانی می‌کاهد. لازمه رفـع این چالش انتقال فناوری و تهسـیل واردات فناوری موردنیاز برای جهش تولید است که سطح رقابت‌پذیری کالاهای داخلی را در حد قابل قبولی ارتقا می‌دهد.

در همین حال انتظار می‌رود مشـکلات مربوط به حوزه نقل‌وانتقال ارز، زیرسـاخت‌های موردنیاز حمل‌ونقـل، تبـادلات بانکی و... مرتفع شـود. در نهایـت بـرای افزایش صـادرات غیرنفتـی ایران و تاثیـر آن بـر بهبود شـرایط تولید در کشـور، عـلاوه بر اقدامات جـاری و کوتاه‌مدت که به آنها اشـاره شد، اقدامات سـاختاری و نهادی در حوزه تجارت نظیر تعیین مزیت‌های صادراتی کشـور و سرمایه‌گذاری در تولید این کالاها باید در اولویت قرار گیرد.

در پایـان باید گفت ظرفیت تولید فولاد کشـور در موقعیـت کنونی نزدیک ۴۰ میلیون تن برآورد می‌شـود؛ هرچنـد میـزان تولیـد در این صنعت به‌مراتـب پایین‌تر از ظرفیت اسـمی ایجاد شـده در زنجیره فولاد اسـت. همزمان طرح‌های توسعه متعددی در این زنجیره در دست احداث قرار دارند که بسـیاری از آنها فاصله چندانی تا افتتاح و آغاز به کار ندارند. در واقع این زنجیره با جذب سرمایه قابل‌توجه و با هدف صادرات توسـعه یافته اسـت. حال سیاست‌گذاران و دولتمردان نمی‌توانند نسبت به فروش صادراتی در این زنجیره و مشکلات ناشی از افت تولید تولیدکنندگان بی‌تفاوت باشـند، زیرا ایـن بی‌تفاوتـی در نهایت به ضرر اقتصاد کشـور اسـت و آمار اشـتغالزایی، صـادرات و... را پایین می‌آورد.

البته برخی مشـکلات پیـش روی صنعتگران اجتناب‌ناپذیر هسـتند، با این وجود از مسـئولان انتظار می‌رود ضمن بررسـی چالش‌های حاکم بر عملکـرد صنایع از تداوم تولیـد و صادرات در این زنجیره حمایت کنند.

دلایل افت تجارت فولاد ایران در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی شد

موانع داخلی و خارجی مانع جدی صادرات فولاد



عکس: روزگار معدن

گروه معدن

براسـاس آمـار منتشرشـده توسـط انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران میزان صادرات فولاد میانـی و نیز مجموع محصولات فولادی کشـور در ۷ ماه نخسـت امسـال در مقایسـه با مدت مشـابه سال گذشته، کاهشـی بود که این افت در بخـش فـولاد میانی ۹ درصـد و در مجموع محصولات فولادی ۴ درصد گزارش شده است. دلایـل متعددی را بـرای افت صـادرات فولاد ایران می‌تـوان عنوان کـرد؛ از جمله آنکه پس از عبـور از ماه‌های ابتدایی سـال، بازار مصرف

> در کنار تمام مشکلاتی که از مسائل بین‌المللی نشأت می‌گیرد و عملا صادرات فولاد ایران را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد، سیاست‌های اشتباه داخلی نیز مانعی جدی در مسیر فروش فولاد ایران در بازار جهانی هستند

ایـن فلـز اسـتراتژیک در سـطح بین‌المللی با رکـود روبـه‌رو و به‌دنبـال آن از میـزان تقاضا برای عرضه فولاد در بازار جهانی کاسـته شـد. در ادامه تحریم فولادسـازان روسـیه از سـوی کشـورهای اروپایی منتهی به ضرر فولادسازان ایرانی شـد، چراکه این صنعتگران عملا بخشی از جایـگاه ایـران را در بازار جهانـی از آن خود کردند.

به‌اعتقـاد فولادسـازان ایرانـی باوجـود تمام مشـکلاتی که از مناسـبات بین‌المللی نشـأت می‌گیـرد و عملا صادرات فـولاد ایران را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد، سیاسـت‌های اشـتباه داخلی نیز مانعی جدی در مسـیر فروش فولاد ایـران در بـازار جهانـی هسـتند. به‌اعتقاد این صنعتگـران مصوبـه وضع عـوارض صادراتی بر محصولات فولادی کشـور که در ۲ ماه نخست امسـال اجرایی شـد، یکی از دلایل افت جایگاه صادراتـی فولاد ایران در بازار جهانی اسـت. در واقع اثرات این بخشـنامه با گذشت زمان آشکار شده اسـت؛ بر همین اسـاس نیز آمار صادرات فولاد ایران از تیر و مرداد به بعد کاهشـی بوده است.

تولید بدون خریدار دوام ندارد



بهـادر احرامیـان، فعال صنعـت فـولاد در گفت‌وگـو بـا «روزگار معـدن» اظهـار کـرد: براساس آمار منتشرشده ازسـوی انجمـن تولیدکنندگان فولاد ایـران، روند صادرات این فلـز اسـتراتژیک از کشـور در اغلـب ماه‌های گذشـته خلاف روند صعودی تولید، کاهشـی بوده است. افت صادرات فولاد ایران در شرایطی ثبت می‌شـود که این زنجیره با تکیه بر اهداف صادراتی در کشـور ما احداث شـده و توسعه یافته اسـت. ظرفیت و میـزان تولید در اغلب حلقه‌های زنجیره فولاد کشور به‌مراتب بالاتر از نیاز داخلی به این محصول برآورد می‌شود. وی افزود: تکیـه بر ظرفیت‌هـای داخلی همچون ذخایر غنی سـنگ آهن و منابع انرژی و تولید فولاد، راهکاری بـرای ارزش‌آفرینی حداکثری در زنجیره فولاد کشـور بود؛ بر همین اسـاس برای تولید ۵۵ میلیون تن فولاد در افق ۱۴۰۴ کشور، هدف‌گذاری شده است.

وی افـزود: توسـعه صنعت فـولاد و فروش این محصول اسـتراتژیک مـازاد بر نیاز داخلی در بـازار جهانی، به‌منزله رشـد تولید ناخالص داخلـی، کاهـش وابسـتگی اقتصاد ایـران به نفـت و همچنین ارتقای سـطح ارزآوری برای کشور اسـت. توسـعه فولادسـازی زمینه‌ساز اشـتغالزایی حداکثـری در کشـور، به‌ویـژه مناطق کمتربرخوردار اسـت؛ بر همین اساس از سیاسـت‌گذاران انتظـار مـی‌رود در تدوین اسـتراتژی‌های حاکـم بر بخش تولیـد، تداوم صادرات را موردتوجه حداکثری قرار دهند.

ایـن فعـال صنعـت فـولاد افـزود: باوجود موارد یادشـده نه‌تنها خواسـته فعالان صنعت فولاد مبنی بر حمایـت از این صنعت برآورده نمی‌شـود، بلکه هر سـال سیاسـت‌هایی ضد صادرات و ضد تولید وضع می‌شـود که لطمات غیرقابل جبرانـی را به صنایع تحمیل می‌کند. وضـع عوارض صادراتی بر فـولاد و محصولات فولادی در نخسـتین هفته‌های سـال ۱۴۰۱، یکی از همان سیاسـت‌های اشـتباهی بود که به افـت ادامه‌دار فروش ایـن محصول در بازار جهانی منتهی شد.

وی تاکیـد کـرد: ثبـات در قـرارداد برای طرف‌هـای خارجـی از اهمیـت ویـژه‌ای برخـوردار اسـت؛ بنابرایـن حتـی بـا حذف عوارض یادشـده، عواقب آن تا بلندمدت ادامه یافت.

این فولادساز ایرانی با اشاره به روند صعودی قیمت فولاد در ماه‌های نخست امسال و سپس افـت قابل‌توجه بهای این فلـز در بازار جهانی، افـزود: همان‌طور که پیش‌بینی می‌شـد روند افزایشـی قیمت فولاد در بازار جهانی ادامه‌دار نبود، زیرا فولادسازان روسـیه به‌دنبال تحریم اقـدام بـه ارزانفروشـی محصولات خـود در بازارهای منطقه کردند.

وضع عوارض صادراتی از سـوی دولت ایران روی محصولات تولیدشـده در زنجیره فولاد و همچنین دامپینگ صادرات ازسـوی روسـیه، بازارهای ما را به‌شـدت کاهـش داد. احرامیان در ادامـه گفـت: صنعت فولاد ایـران در طول سـال‌های گذشـته بـا تحریـم و محدودیت در تعامـلات بین‌المللـی روبه‌رو بوده اسـت؛ بنابراین مشـتریان فولاد ایران عموما ریسـک همکاری با مـا را می‌پذیرند که همین موضوع از مزیت رقابتی فولاد ایران در مقایسه با فولاد تولیدشده در سایر کشورها می‌کاهد.

وی افـزود: در حـال حاضـر باتوجـه بـه رونـد نزولی صـادرات فولاد ایـران و همزمان رکـودی کـه بـر بـازار داخلی ایـن محصول سـایه انداختـه، میـزان موجـودی انبارهای فولادسـازان کشـور به‌شـدت افزایش‌یافتـه است.

ظرفیت مصرف در بازار داخلی محدود است و باتوجـه به رکودی که در اقتصاد شـاهد آن هسـتیم، محدودتر هم شده است. با این وجود روند صادرات این محصول نیز چندان روشـن و امیدبخـش نیسـت؛ بنابراین بایـد اقرار کرد فولادسازان کشـور از سیاسـت‌گذاری اشتباه به‌شدت متضرر شده‌اند.

موانع فروش فولاد در بازار جهانی



سـید علی‌محمد ابویی مهریـزی، عضـو هیات مدیره انجمن نوردکاران در گفت‌وگو با «روزگار معـدن» اظهـار کـرد: صادرات راهکاری برای توسـعه اقتصادی و صنعتی کشورها است؛ بر همین اساس تسهیل صادرات راهکاری برای بهبـود عملکرد صنایع و به‌دنبـال آن ارتقای وضعیت اقتصاد ایران است.

وی افـزود: در ۴ دهه اخیـر صنعت فولاد ایـران بـا تکیـه بـر ظرفیت‌هـای معدنی و انرژی شـکل گرفته و توسـعه یافته اسـت. ظرفیت‌سـازی انجام‌شـده در ایـن زنجیـره به‌مراتب بالاتر از نیاز داخلی برآورد می‌شـود؛ بنابراین صادرات تنها راه تداوم تولید و حفظ موقعیت‌های شـغلی در زنجیره فولاد کشـور است.

ایـن فعـال صنعت فـولاد گفت: سـال‌ها تحریم ایران ازسـوی سـایر کشـورها، خود مانعی بزرگ بـرای فروش فولاد و محصولات فـولادی ایـران در بازارهای جهانی به‌شـمار مـی‌رود. با ایـن وجود فولادسـازان کشـور تلاش خـود را به کار بسـته‌اند تـا حضوری موفق در این بازارها داشـته باشـند و سهمی از بازارهای بین‌المللی فولاد دنیا را از آن خود کنند.

وی افـزود: باتوجـه به چالش‌های ناشـی از تحریـم کـه عملکـرد صنعتگـران فولاد کشـور را تحـت تاثیر منفـی قـرار داده، از سیاسـت‌گذاران انتظار مـی‌رود امتیازاتی را در اختیار صنعتگران قرار دهد. به‌عنوان‌مثال دولتمـردان می‌توانند بـا ارائـه راهکارهایی همچـون معافیت مالیاتی صـادرات، درصدد جبران این شـرایط دشوار تحمیلی به صنایع برآیند.

ابویی گفت: باوجود مسـائل یادشده دولت نه‌تنهـا اقدام مثبتی را برای حمایت از صنایع و صـادرات فولاد ترتیب نـداده که با تصویب و وضع عوارض صادراتـی، فروش محصولات تولیدشده در این زنجیره را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرد. باوجود اینکه مصوبه یادشده برای مدت زمان کوتاهی اعتبار داشت، اثرات منفی آن بر عملکرد تولیدکنندگان ماندگار بود و به افت صادرات فولاد و محصولات فولادی ایران منتهی شد.

متاسـفانه باید اقرار کرد در طول سال‌های اخیر مقـررات و مصوبات ناکارآمدی در حوزه صنایع معدنی، به‌ویژه برای فولادسازان کشور وضـع شـده، این در حالی اسـت کـه اثرات چنیـن مقرراتـی حتی پس از لغـو نیز باقی خواهـد ماند. عـلاوه بر این بایـد تاکید کرد تغییـر مداوم قوانین و مقـررات حتی امنیت سـرمایه‌گذاری را تحـت تاثیـر منفـی قرار می‌دهد.

این فعال صنعت فولاد گفت: وضع عوارض صادراتـی هرچند برای مـدت کوتاه دوماهه، به از دسـت رفتن بخشـی از بـازار صادرات فولادسازان منتهی شـد، زیرا با تغییر مداوم قوانیـن و مقـررات که بر عملکـرد صادراتی فولادسازان کشور تاثیر منفی می‌گذارد، عملا اعتمـاد خریداران به این محصـولات از بین می‌رود.

وی افزود: به دنبال حمله روسیه به اوکراین، این کشور از سوی بسیاری از کشورها به‌ویژه در اروپـا تحریـم شـد. در چنین شـرایطی فولادسـازان روس بازارهای صادراتی خود را از دست دادند و برای تداوم امکان فعالیت در بازار جهانی اقدام به ارزانفروشـی محصولات خود در بازار جهانی کردند؛ به این ترتیب بازار صادراتی ایران به‌شدت محدود شده است. در چنین موقعیتی وضع قوانین ناکارآمد و ایجاد سدی تازه در مسـیر صادرات فولاد ایران که آن‌هم تحت تحریم اسـت، ما را از بازار رقابت جهانی عقب راند.

ابویـی گفت: ما بارها به دولت تاکید کردیم که وضع عوارض صادراتی حق دولت اسـت، اما این استراتژی در اشتباه‌ترین زمان ممکن اجرایی شد و لطماتی را به تولیدکنندگان وارد کرد.

وی افزود: نبود تیم کارشناسـی برای اتخاذ سیاسـت‌های تولیدی و بی‌توجهی به نظرات تولیدکننـدگان چنین چالش‌هایـی را ایجاد می‌کند. متاسـفانه در روند سیاست‌گذاری‌ها، نظرات فعالان بخش خصوصی در مقایسـه با تولیدکنندگان وابسـته به دولت، در حاشـیه قـرار دارد؛ به این ترتیب باید اقرار کرد تولید برای فعالان بخش خصوصی به‌مراتب دشوارتر است.

سخن پایانی

صادرات راهکاری برای توسـعه اقتصادی و صنعتی کشـورها است؛ بر همین اسـاس نیز از دولتمردان انتظار می‌رود مسیر فروش محصولات را در بـازار جهانی هموار کنند. ظرفیت تولیـد در اغلب حلقه‌های زنجیره فولاد ایران به‌مراتب بالاتر از نیاز داخلی برآورد می‌شـود. این چالش در سـال جاری با رکود گسـترده‌ای که در اقتصاد کشور شاهد آن هستیم، شـدت گرفته است؛ بر همین اساس صادرات تنها راه تداوم تولید همراه با سودآوری در این صنعت است. در چنین شرایطی از دولتمردان انتظار می‌رود با ارائه مشـوق‌هایی، مسـیر صادرات را همـوار کنند. بااین‌حال نه‌تنها خواسـته موردنظر محقق نمی‌شود، بلکه هرازگاهی مقرراتی ضد تولیـد یا ضد صادرات همچون سـدی در مقابل فعالیت صنعتگران قرار می‌گیرد؛ مقرراتی که شاید به‌دنبال موج اعتراض فعالان صنعتی پس از بازه زمانی کوتاه لغو یا تعدیل شـوند، اما آثار آنها تا مدت‌ها به‌جا خواهد ماند. در واقع تغییر مداوم قوانین، مقررات و سیاست‌های حاکم بر تولید و تجارت، به چالشـی جدی برای فعالان صنعتی کشور بدل شده است؛ تا جایی که این سیاسـت حتی در قالب ریسکی جدی برای صنعتگران شناسایی می‌شود و عملکرد آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

کانادا معدن برقی لیتیوم راه‌اندازی می‌کند

کانادا در تلاش است تا معدن لیتیومی را به‌بهره‌برداری برسـاند که با اسـتاندارد بالای حفاظت از محیط‌زیست مطابقت داشـته باشـد و به‌طورکامل قابل‌ردیابی، کربن خنثی و بدون خسـارت باشـد. به‌گزارش ماین‌نیوز، قرار اسـت کارخانه جدید با انـرژی ۱۰۰ درصد تجدیدپذیر فعالیـت کنـد و نخسـتین معـدن کاملا برقـی لیتیوم به‌شـمار می‌رود. پیش‌بینی‌شده اسـت عمر مفید معدن بیـن ۸ تا ۱۰ سـال باشـد و در این بازه زمانی، سـالانه ۱۶۰هـزار تن لیتیوم برای بازار خودروهای برقی و باتری در امریکای‌شـمالی تولید کنـد. باتوجه به تلاش‌ها برای کاهش انتشـار گازهای گلخانه‌ای، تقاضا برای باتری‌های لیتیومی کـه در خودروهای برقی و دسـتگاه‌های دیگر بـه‌کار می‌روند، افزایش یافته اسـت، در حالی که ذخایر ایـن ماده اندک اسـت. در دل زمین، لیتیوم کافی وجود دارد، اما به سـرعت نمی‌توان به آن دست‌یافت. تخمین زده می‌شـود تا ۲۰۳۰ میلادی، حتی اگـر تمام معادن فعلی زمین با نرخ نرمال به تولید ادامه دهند، باز هم فلز استخراجی برای تامین نیمی از تقاضای جهان نیز کافی نخواهد بـود. باتوجه به این ویژگی‌ها، شـرکت کانادایی «اسـنو لیـک لیتیوم» تصمیم گرفته اسـت بـا افزایش تولیـد این ماده معدنی، چالش دسترسـی به ماده اولیه را حل کند. علاوه بر این، تاکنون لیتیوم استخراج‌شـده در شـمال امریکا برای فرآوری به چین فرستاده می‌شد، اما این شـرکت قصد دارد با راه‌اندازی یک واحد فرآوری هیدروکسـید در نزدیکی معدن، با همکاری یک شرکت کره‌ای تولیدکننده باتری، لیتیوم به‌دست‌آمده را به گرید باتری تبدیل کند.



گفت‌وگو

در گفت‌وگو با «روزگار معدن» مطرح شد:

اشتغالزایی حاصل کارآفرینی است

گروه معدن

جمله معروفی هست که می‌گوید مهندسان یا راهی خواهند یافت یا راهی خواهند ساخت! اما به‌نظر می‌رسد که این تعریف برای کارآفرین مناسب‌تر است، زیرا جایی که حتی مهندسان هم تسلیم می‌شوند و سپر می‌اندازند، کارآفرینان پیش می‌روند و راهی باز می‌کنند.

کارآفرینان به مدد نوآوری و خلاقیت، مرزهای ممکن را جابه‌جا می‌کنند و با استفاده از داشته‌ها راهی می‌یابند که به تولید محصولاتی با ارزش‌افزوده بالا منتهی شود.

در حوزه معدن، زمینه کارآفرینی به‌شکلی گسترده و متنوع مهیا است. در هر حوزه‌ای، از کنترل از راه دور و مانیتورینگ معدنکاری گرفته تا مدیریت باطله‌ها، آموزش از راه دور، هوشمندسازی زیرساخت‌ها، فرآیند کنترل پیشرفته در فرآوری موادمعدنی، تولید هوشمند در معادن، برنامه‌ریزی دقیق، کارآ و مطمئن در نقشه‌های زمین‌شناسی و موارد دیگری از این دست جای کار زیاد است و علاقه‌مند و نوآور هم بی‌شمار.



«روزگار معدن» به مناسبت بزرگداشت روز کارآفرینی، با آرش ابراهیم‌آبادی به‌گفت‌وگو نشست. وی که تا مقطع دکتری رشته مهندسی معدن تحصیل کرده و در حال حاضر در دانشگاه تدریس می‌کند، با ما درباره کارآفرینی تخصصی در حوزه معدن سخن گفت.



عکس: روزگار معدن

کارآفرین کیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

در علم اقتصاد، عوامل تولید به ۴بخش تقسیم می‌شود؛ زمین، نیروی انسانی و کار، سرمایه و کارآفرینی.

از تلفیق این ۴عامل است که می‌توانیم کالا و خدمات تولید کنیم. زمین شامل هر منبع و منشأ طبیعی است که برای تولید کالا و خدمات به‌کار گرفته می‌شود، یعنی هر چیزی که به‌نوعی به زمین مربوط می‌شود و از منابع زمینی به‌دست می‌آید، مثل موادمعدنی خام.

در برخی موارد، منابع تجدیدپذیر هستند مانند جنگل، درختان و گاه منابع تجدیدناپذیر هستند مانند نفت، گاز و موادمعدنی که موضوع گفت‌وگوی ما است.

درباره نیروی انسانی و کار باید گفت افرادی که در فرآیند تولید کالا و خدمات نقش ایفا می‌کنند؛ به‌عنوان مثال مهندس معدن که فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی تولید و استخراج مواد معدن را انجام می‌دهد.

اگر برای چنین فردی دستمزد در نظر گرفته شود، این فرد عضوی از نیروی انسانی در فرآیند تولید کالا و خدمات به‌شمار می‌رود. سرمایه به هرگونه ماشین‌آلات، ابزار و سازه‌هایی که برای تولید کالا و خدمات به‌کار می‌رود، اطلاق می‌شود،برای مثال در بخش معدن و صنایع‌معدنی، ساختمان‌ها، ماشین‌آلات، کامیون‌ها یا دامپتراک‌ها، چکش‌ها، چال‌زن‌ها، نوار نقاله، تجهیزات رایانه‌ای و امثال آن را دارایی‌های سرمایه‌ای می‌نامند و در نهایت کارآفرینی، موضوع اصلی صحبت ما، مفهومی است که این ۳ عامل فوق‌الذکر را با هم ادغام می‌کند.

پس کارآفرین کسی است که ۳ عامل زمین، نیروی‌انسانی و سرمایه را به‌منظور حصول سود بیشتر با راه و روشی خلاقانه و نوآورانه با هم تلفیق کند. چنین فردی می‌تواند ایده‌های خلاقانه و نوآورانه خود را به یک کسب‌وکار اقتصادی تبدیل کند.

چنین فردی علاوه بر تعهد باید از توانایی سازماندهی و اداره مخاطرات فعالیت اقتصادی برخوردار، شم فرصت‌طلبی داشته باشد و امکانات موجود در بازار را تشخیص بدهد و آنها را تبدیل به فرصت کند، بنابراین کارآفرین فردی ریسک‌پذیرو خلاق است که با دید نوآورانه خود می‌تواند محصول و بازار را به‌خوبی بشناسد، البته بهتر است در زمینه‌های دیگر هم دانش کافی داشته باشد، به‌عنوان مثال با مدیریت کارآفرینی، استراتژی‌های رشد، تامین مالی ریسک‌پذیر و مدیریت جریان نقدینگی، دانش تحلیل بازار و موضوعاتی از این دست هم آشنا باشد.

چقدر توانایی و مهارت نوآوری برای کارآفرینان ضروری است؟

برای موفقیت در کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری از مهم‌ترین شاخص‌ها به‌شمار می‌روند. کارآفرین باید بداند که چطور می‌تواند در کسب‌وکارش با همتایان خود رقابت، چه میزان ریسکی را تحمل و در نهایت چگونه می‌تواند یک محصول جدید را به بازار معرفی کند.

با داشتن این خصیصه فرد می‌تواند از همه فرصت‌های موجود استفاده برد. به‌طورخلاصه، زمانی ایده‌های کارآفرینانه به ذهن یک فرد خطور می‌کند که خلاقیت داشته باشد و همین خلاقیت و نوآوری باعث می‌شود که ایده‌های کارآفرینانه در ذهن یک فرد جرقه بزند و از طرف دیگر، ایجاد روش‌های جدید در زمینه کسب‌وکار و کارآفرینی، نوآوری را تقویت می‌کند. به‌عبارت دیگر، این ۲ مقوله بر هم هم‌افزایی دارند.

کارآفرینی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد؛ کارآفرینی اجتماعی که به نیازهای جامعه و حل مسائل و مشکلات آن می‌پردازد،برای مثال مباحث مربوط به نابرابری اجتماعی، مسائل محیط‌زیستی، توسعه اقتصادی منصفانه و مسائلی از این دست را موردتوجه قرار می‌دهد، البته در این مورد، سودآوری اصل مهمی نیست، بلکه تامین منفعت کل اجتماع اهمیت دارد.

> آرش ابراهیم‌آبادی: کارآفرینی در حوزه معدن می‌تواند مشابه یک فعالیت استارت‌آپی باشد. به‌عبارت دیگر، باتوجه به اینکه معدنکاری جزو قدیمی‌ترین فعالیت‌های بشری است، می‌توان با روش‌های خلاقانه و مدرن، تمام ابعاد آن را در قالب استارت‌آپی مدرن تعریف کرد

نوع دیگر، کارآفرینی استارت‌آپی و شرکت‌های دانش‌بنیان است که اساس آن بر ایده‌های خلاقانه و نوآورانه بنا شده که بتواند بیشترین میزان سود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای مجموعه فراهم آورد.

نوع دیگر، کارآفرینی کوچک‌مقیاس است و حتی می‌تواند در مقیاس یک فرد یا یک خانواده باشد و به سرمایه‌گذاری اولیه اندکی نیاز دارد و می‌توان آن را با دریافت وامی کوچک راه‌اندازی کرد.

نوع دیگر، کارآفرینی شرکت‌های بزرگ است که در طول زمان رشد می‌کند و تا انتهای فعالیت شرکت ادامه دارد. تمرکز این مدل بر سودآوری مستمر و حداکثری با رویکرد نوآورانه است. کارآفرینی در شرکت‌های بزرگ معدنی به‌طورمعمول در این دسته قرار می‌گیرند.

نوع دیگر کارآفرینی هم در زمینه تربیت نیروی متخصص و اپراتور ماهر است، یعنی استارت‌آپ‌ها یا شرکت‌هایی داشته باشیم که در زمینه‌های خاص، نیروی متخصص یا اپراتور ماهر آموزش دهد.

آخرین نوع کارآفرینی که ارتباط مستقیمی با حوزه موردبحث ما دارد، کارآفرینی نوآورانه است، همان‌طور که از نامش دریافت می‌شود، خلاقیت در آن نقش مهمی دارد. در این نوع کارآفرینی، یک محصول یا ایده به‌طورکامل جدید به بازار معرفی و عرضه می‌شود.

این شرکت‌ها با رویکرد مسئله‌محور، کالاها و خدمات جدیدی را به‌منظور ارتقای سطح زندگی مشتریان ارائه می‌دهند و دیدی جهانی دارند و می‌توانند جامعه را با ایجاد سبک‌ها و روش‌های جدید تغییر بدهند و در این نوع کارآفرینی، مهارت نوآوری از ارکان اساسی است.

کارآفرینی در حوزه معدن چه معنایی دارد و آیا مترادف با اشتغالزایی است؟

برای پاسخ به این سوال باید در ابتدا توضیح مختصری درباره معدن و چرخه معدنکاری ارائه داد. فعالیت معدن در ابتدا با معدنکاوی یا فرآیند پی‌جویی و اکتشاف ماده معدنی و ارزیابی و تخمین ذخیره شروع می‌شود.

در مرحله بعد، معدنکاری و استخراج موادمعدنی مطرح می‌شود، مرحله بعد فرآوری موادمعدنی است و در نهایت مرحله بستن و بازسازی معدن مطرح می‌شود.

در هریک از این مراحل، اگر روش‌های فناورانه و نوآورانه‌ای به‌کار گرفته شود، می‌تواند به حوزه کارآفرینی راه یابد.

پس با این شرح، کارآفرینی در حوزه معدن می‌تواند مشابه یک فعالیت استارت‌آپی باشد. به‌عبارت دیگر، باتوجه به اینکه معدنکاری جزو قدیمی‌ترین فعالیت‌های بشری است، می‌توان با روش‌های خلاقانه و مدرن، تمام ابعاد آن را در قالب استارت‌آپی مدرن تعریف کرد.

کارآفرینی در حوزه معدن، فعالیتی گسترده و کلی‌تر است و اشتغالزایی در زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد.

پس این ۲ عبارت با هم مترادف نیستند، بلکه اشتغالزایی یکی از دستاوردها و نتایج کارآفرینی است.

اگر بخواهیم کارآفرینی را در حوزه معدن تعریف کنیم، باید آن را به چند بخش تقسیم کنیم. نخستین بخش، الهام‌پذیری است.

به‌عبارت دیگر، در این مرحله باید کارآفرین جست‌وجوی ذهنی داشته باشد تا در جایی که دیگران از آن غافلند، سود را تشخیص دهد، پس باید ایده‌ای نوآورانه داشته باشد و رگه‌های سود را در آن تشخیص دهد،برای مثال این ایده می‌تواند کشف یک ذخیره جدید در ادامه فعالیت‌های معدنی گذشته باشد.

مواردی وجود دارد که فردی یک معدن متروکه را با سرمایه اندکی در اختیار می‌گیرد و بعد مشخص می‌شود که ذخیره دیگری را در آنجا یافته است و به این ترتیب سود سرشاری به‌دست می‌آورد.

مورد بعدی یادگیری یا فراگیری مهارت‌های پی‌جویی و ایجاد هدف‌های بعدی برای کارهای اکتشافی است. اگر فردی بتواند مهارت‌های خود را در این زمینه ارتقا بدهد و بداند که کجاها باید کارهای اکتشافی بعدی را انجام دهد، خود نوعی فعالیت کارآفرینانه است و اگر بشود این دانش را به دیگران انتقال داد، می‌تواند فعالیت بسیار ارزنده‌ای باشد.

یک کارآفرین معدن باید درباره محل شروع فعالیت خود تصمیم‌گیری کند و این مهارت به‌شرط داشتن دانش و تجربه حاصل می‌شود، اگر این توانایی‌ها و مهارت‌ها آموزش داده شود، می‌تواند ارزش کارآفرینی بالایی داشته باشد.

فعالیت معدنی در مرحله شروع به‌کار یا استارت‌آپ هم می‌تواند وارد حوزه کارآفرینی شود.

به‌عبارت دیگر، حفاری اکتشافی یکی از مهم‌ترین مراحل کارآفرینی معدنی است و تایید یافته‌های اولیه اکتشافی با انجام عملیات حفاری گام مهمی در این زمینه است، البته این مرحله هم بسیار هزینه‌بر است و هم ریسک بالایی دارد، اما در نهایت همین عملیات است که کانی‌زایی اقتصادی را مشخص می‌کند و به‌نوعی آزمون نهایی برای تایید ایده‌ها و پیش‌بینی‌ها است، به‌عبارت دیگر، برای کارآفرینی باید ایده و پیش‌بینی داشت و می‌توان با کارهای اکتشافی ایده‌ها و پیش‌بینی‌ها را محک زد.

موضوع دیگر، بررسی فنی و اقتصادی است که می‌تواند وارد حوزه کارآفرینی شود، یعنی با ایجاد ارتباط میان یافته‌ها و داده‌های جمع‌آوری‌شده، اقتصادی بودن طرح‌های معدنی موردمطالعه قرار گیرد که به آن مطالعات پیش‌امکان‌سنجی گفته می‌شود تا در ادامه کار به طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای معدن برسد.

به‌طورخلاصه در تمام مراحل فعالیت معدن از اکتشاف گرفته تا استخراج و فرآوری ذوب و پالایش، پیاده‌سازی روش‌های نوین و مانند آن، می‌توان کارآفرینی کرد و از آنجایی که افراد زیادی می‌توانند در هریک از این مراحل مشغول کار شوند، از منظر اشتغالزایی هم حائزاهمیت است. در مرحله بازاریابی و عرضه محصول نهایی به بازار هم می‌توان به ایده‌های نوآورانه اندیشید، زیرا یکی از مراحل مهم فعالیت‌های معدنی و نقطه پایانی کارآفرینی معدنی است.

استفاده از فناوری‌های نوین در بخش فرآوری، افزایش راندمان، بازیابی مواد معدنی و در نهایت عرضه محصولات باعیار و کیفیت بهتر می‌تواند فروش مواد معدنی را بالا ببرد و این خود می‌تواند زمینه‌ای برای کارآفرینی در حوزه معدن فراهم کند و برند شرکت معدنی را در بازار ارتقا دهد.

چگونه می‌توان از ظرفیت‌های کارآفرینی برای حل مشکلات معدن استفاده کرد؟

هر رویکرد کارآفرینی سودآوری که به نیازهای جامعه بپردازد، براساس شاخص‌های توسعه پایدار باشد و در نهایت منجر به تولید محصولات بهتر شود، می‌تواند به حل مشکلات معدنکاری کمک کند، پس می‌توان گفت هر نوع فعالیت خلاقانه، نوآورانه و دانش‌بنیان که بتواند در هریک از زمینه‌های معدنکاری، از پی‌جویی و اکتشاف گرفته تا بازاریابی و فروش راه‌حل مناسبی ارائه دهد، قدمی در راه‌حل مشکلات حوزه معدن است.

چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان کارآفرینی در حوزه معدن با دیگر حوزه‌ها وجود دارد؟

اصول و مبانی کارآفرینی در همه زمینه‌های صنعتی با هم مشابهت دارند، به‌عنوان مثال تحقق رشد اقتصادی و ارتقای اقتصاد بازار از طریق تولید محصولات یا ارائه خدمات جدید، اشتغالزایی و ایجاد فرصت‌های کاری متفاوت، تبدیل افراد و کارکنان ساده به پرسنل آموزش‌دیده و ماهر و معرفی این افراد به صنایع بزرگ‌تر و تخصصی‌تر، پیشرفت بهره‌وری و اثربخشی تولید از طریق بهره‌گیری از تکنیک‌ها و فناوری‌های نوین.

از دیگر شباهت‌ها، رشد خلاقیت و فناوری است که در این زمینه می‌توانیم به پیاده‌سازی و اجرای روش‌های تحقیق و توسعه (R&D)، در تولید محصول، حل مسائل و مشکلاتی که تا امروز لاینحل مانده‌اند و بهبود کیفیت فعالیت افراد اشاره کنیم.

تغییرات اجتماعی شباهت دیگری است که می‌توانیم در این زمینه به تغییر و بهبود روش‌های سنتی و مرسوم فعلی و جایگزینی شیوه‌های قدیمی با فناوری‌های مدرن اشاره کرد؛ارتقای شیوه زندگی و رفاه اجتماعی که همه اینها حاصل فعالیت‌های نوآورانه است.

ایجاد رشته و گرایش‌های دانشگاهی جدید و پیشرفت نقش آن در تصمیم‌گیری‌های کلان و ارائه راهکارهای خلاقانه برای مشکلات مبتلابه حوزه موردنظر، تحقیق در زمینه توسعه اقتصادی و در نهایت تلاش برای بهبود شرایط کسب‌وکار از شباهت‌های کارآفرینی در حوزه‌های گوناگون است، اما یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها بحث Capital Cost یا هزینه سرمایه‌گذاری اولیه بالا است، یعنی معدنکاری یک هزینه سرمایه‌ای اولیه بسیار بالا را می‌طلبد.

یکی از علل کمبود سرمایه‌گذاری در این زمینه همین عامل است. یکی دیگر از تفاوت‌ها ریسک بالا است. در فعالیت‌های کارآفرینانه درجاتی از ریسک را باید پذیرفت، اما درباره فعالیت‌های معدنی، ریسک بسیار بالا است و از طرف دیگر عدم‌قطعیت زیادی در فرآیند معدنکاری وجود دارد، به‌عنوان مثال عدم‌قطعیت در عیارسنجی، قیمت، اطلاعات زمین‌شناسی و امثال آن، که همه ارتباط نزدیکی با ریسک پذیری دارند، و به همین دلیل است که کارآفرینی در حوزه معدن با دیگر حوزه‌ها تفاوت دارد.

یادداشت

کارآفرین معدنی کیست؟



احسان موسوی
استاد دانشکده مهندسی معدن

در میان همه چالش‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی که همه جوامع را به‌نوعی تحت‌تاثیر قرار داده، بیکاری جوانان در اولویت قرار دارد و همه دولت‌ها سعی می‌کنند، بسته به درصد بیکاری جوامع خود، اعداد و ارقام مربوط به آن را کاهش دهند. باوجود فرصت‌های فراوانی که در صنعت معدن و برای فارغ‌التحصیلان این رشته مهندسی وجود دارد، اما متاسفانه در این حوزه هم مشابه سایر رشته‌های مهندسی، فارغ‌التحصیلان دچار یأس و ناامیدی در یافتن شغل مناسب در راستای تخصص خود هستند،از این‌رو فعالیت‌های کارآفرینانه در حوزه مهندسی معدن، مثل خریدوفروش مواد معدنی، توسعه نوآورانه تجهیزات و ماشین‌آلات معدن، ارائه خدماتی مانند خدمات حفاری و انفجار و سایر خدماتی از این دست، می‌تواند در حل مشکل بیکاری موثر واقع شود. نکته بارزی که کارآفرینی در حوزه معدن را از سایر رشته‌ها جدا می‌کند، این است که کارآفرینی در حوزه معدن بسیار قابل‌اعتماد و از ریسک پایینی برخوردار و وظیفه دولت‌ها در این زمینه، در نظر گرفتن برنامه‌های تشویقی مختلف است که در زمینه‌های تخصصی می‌تواند راهگشا باشد. تنوع زمینه‌های کارآفرینی در حوزه معدن بسیار زیاد است، به‌عنوان مثال، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد؛ هوشمندسازی و یکپارچه‌سازی فرآیند فرآوری و استخراج، با استفاده از اتوماسیون، هوش‌مصنوعی و ارتباط داده‌ها یا استخراج پیشرفته متناسب با حفاری‌های عمیق و پیچیده‌ای که امروزه در دنیا به آن توجه ویژه‌ای می‌شود، افزایش بهره‌وری و کاهش مسائل زیست‌محیطی، اکتشافات تحت‌پوشش که با فناوری‌های جدید محدوده‌هایی را برای شناسایی و بهره‌برداری مشخص می‌کند، توسعه فناوری‌های جدید در راستای توسعه پایدار در زمینه‌های اجتماعی، عملکرد زیست‌محیطی و اقتصادی و در نهایت استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای تصمیم‌گیری بهینه و مطلوب در همه فرآیندهای مرتبط. اما کارآفرینی چیست؟ مفهوم کارآفرینی هم در طول زمان متحول شده است. اگر نیم‌نگاهی به تعریف سنتی و جدید کارآفرینی بیندازیم، متوجه تفاوت‌ها و شباهت‌های آن می‌شویم. در دهه‌های گذشته درباره کارآفرینی گفته می‌شد که بخشی از آموزش، کسب‌وکار و موفقیت است که هدف آن تقویت مشاغل جدید است، بعدها جنبه‌های فردی، خلاقیت، خوداتکایی، ابتکار عمل، جهت‌گیری و اقدام به‌موقع را همچون اهداف اصلی عنوان کردند که بیشتر بر مهارت‌ها و توانایی‌های ذهنی دلالت داشت، در واقع کارآفرین را فردی خلاق، فرصت‌گرا، فعال‌تر و نوآورتر می‌دانستند، اما امروزه می‌دانیم که همه این ویژگی‌ها قابل‌دستیابی است و آنچه محرک اصلی برای قدم گذاشتن در مسیر کارآفرینی است، همراهی با جریانات روز دنیا و حرکت در مسیر جهانی شدن است. کارآفرینی در اصل به‌معنای متعهد شدن است و در واقع ارزش‌آفرینی از طریق کشف، درک، ارزیابی و بهره‌برداری ار فرصت‌ها با استفاده از منابع موجود و ترکیب آنها با خلاقیت و نوآوری است. در واقع می‌توانیم بگوییم کارآفرینی عامل تعهدآوری است که مخاطرات و دغدغه‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی و باتوجه به منابع در دسترس، با تشخیص فرصت‌ها و چالش‌ها ایده‌پردازی می‌کند، در واقع هنر کارآفرینی این است که با منابع موجود، به خلق ایده بپردازد و ریسک‌های مرتبط مالی، اجتماعی و مانند آن را بپذیرد و محصول یا خدمات جدیدی ارائه دهد،اما اگر بخواهیم میزان مشابهت کارآفرینی را با مفهوم اشتغالزایی مقایسه کنیم، در چند جمله می‌توان گفت: اشتغالزایی جذب نیرو برای مشاغل فعلی است. به‌عبارت دیگر، شغلی در حال حاضر وجود دارد که باید برای آن بهرتین و کارآمدترین شخص را یافت و به‌کار گرفت، در واقع می‌توان گفت برای توسعه فرصت‌های شغلی موجود است نه ایجاد یک فرصت شغلی تازه. اشتغالزایی وظیفه‌ای بر دوش دولت‌ها است، یعنی دولت‌ها باید بسترسازی کنند تا زمینه اشتغالزایی به‌وجودآید، اما کارآفرینی موضوعی است که بیشتر، بخش خصوصی درگیر آن است.

در کارآفرینی به نوآوری توجه و اگر بخواهم ساده‌تر بگویم کارآفرینی به نوآوری منتج ،اما اشتغالزایی بسیار به‌ندرت به نوآوری منجر می‌شود و رویه متعارفی است که از ابتدا تا انتهای آن قابل پیش‌بینی است. مسیر مشخصی که طی می‌شود و به هدف مشخصی می‌رسد، اما در کارآفرینی، هدف، اشتغال نیست، بلکه یکی از دستاوردهای آن می‌تواند ایجاد اشتغال باشد.

کارآفرینی منبع تولید ثروت است، اما اشتغالزایی از منابع موجود ثروت و توزیع آن استفاده می‌کند. در جمع‌بندی این بحث باید گفت ۲ مفهوم اشتغالزایی و کارآفرینی در ارتباط هستند،اما منطبق بر هم نیستند.

روزگار معدن

شنبه ● ۱۲ آذر ۱۴۰۱ ● ۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ ● ۳ دسامبر ۲۰۲۲ ● سال پنجم ● شماره ۹۷۲

صاحب امتیاز:
موسسه فرهنگی و هنری روزگار وصل

مدیر مسئول و سردبیر:
ناصر بزرگمهر

فنی و هنری:
مهدی نجفی

نمایندگی دفتر اروپا:
چکاوک بزرگمهر

آدرس: تهران- میدان هفتم تیر- خیابان قائم مقام فراهانی- پلاک ۷۴
تلفن:۸۸۷۲۲۷۳۲ – تلفن همراه: ۰۹۹۹۱۹۵۷۶۱ –نمابر:۸۸۷۱۳۷۳۰
پیامک:۳۰۰۸۲۱۹۰ – ایمیل سازمان آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com
توزیع و سازمان شهرستان‌ها:۸۸۷۲۲۷۳۵

چاپ: هنر سرزمین سبز

www.Madandaily.com
www.instagram.com/Madandaily
www.twitter.com/Madandaily
www.t.me/Madandaily
E-mail:info@madandaily.com
tozi.smtnews@gmail.com

یادداشت

صنعت سنگ و چالش گسست صنفی



سیامک اخطاری
فعال حوزه صادرات سنگ

برخی اصول اساسی حکمرانی در صنعت سنگ ساختمانی عبارتند از: شفافیت اهداف، شفافیت نقش‌ها و مسئولیت‌ها و اطلاع‌رسانی، توجه به توسعه پایدار به‌نفع نسل‌های آتی، توانمندسازی برای اجرای نقش‌های واگذارشده و پاسخگویی در قبال تصمیم‌ها و عملکرد روسا و شفافیت در اطلاع‌رسانی. ۴ کارکرد اساسی برای هدایت و مدیریت یک تشکل منسجم در صنف سنگ هم شامل موارد زیر است:

خط‌مشی‌گذاری، تدوین استراتژی، تصمیم‌سازی عملیاتی و پایش و نظارت و تنظیم مقررات. حال باتوجه به نکات فوق و رعایت اصولی مشتمل بر مشارکت حداکثری، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، عدالت، اثربخشی، کارآیی و مسئولیت‌پذیری را می‌توان شاکله‌ای قوی و منسجم برای توسعه و پیشرفت صنعت سنگ ایران دانست.

در حال حاضر باتوجه به تنوع و گوناگونی تشکل‌های صنفی صنعت سنگ، از جمله تشکل‌های منشعب از اتاق بازرگانی و اتحادیه‌های کارفرمایی یا معدنی، به‌نظر می‌رسد از نظر قانونی نقصانی در تعریف و جایگاه‌سازی نهادها نداشته باشیم، اما با نگاهی کلان‌نگر و راهبردی، هرچند این پراکندگی‌ها می‌توانند اهدافی قوی داشته باشند، در زمینه هدف‌گذاری و نتیجه‌گرایی، موجب تفرق آرا، گسست صنفی و نوعی پراکندگی در سیاست‌گذاری و اجرا می‌شود.

گاه تشکلی قانونی با عضویت عده بسیار محدودی، خود را دارای وجاهت حرفه‌ای معرفی می‌کند، اما مفاد و اصول حکمرانی مطلوب، به شکلی گویا و مفید در آن روشن نیست یا به شکل سیستمی تبیین نشده، زیرا از حداکثر نسبی در صنف برخوردار نیست (به‌عنوان مثال کشور ما در حال حاضر چیزی در حدود ۸ تا ۹ هزار واحد تولیدی معدنی و صنایع وابسته دارد، اما تعداد اعضا برخی انجمن‌ها در این حوزه گاه از اعدادی بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ نفر فراتر نمی‌رود).

تاکنون برای مشروعیت بخشیدن به فعالیت تشکل‌ها و اقدامات صنفی زحمات زیادی کشیده شده و تلاش‌های زیادی برای حفظ حقوق صنفی در جریان است.

برای فتح قطب شمال، نیازمند کشتی اقیانوس‌پیمای بزرگ و قدرتمندی هستیم؛ در حالی که امروز قایق‌های کوچک و پراکنده‌ای برای رسیدن به همان هدف به آب زده‌اند. از سوی دیگر، تشکل‌هایی ایجاد شده که باوجود جذب حداکثری اعضا و تراکم ذی‌نفعان از واحدهای معدنی و صنعتی، باز هم راه درازی برای دستیابی به توسعه کیفی در پیش دارند.

برای اینکه نمونه‌ای عینی پیش چشم داشته باشیم، تشکل‌های فعال در دیگر کشورها می‌توانند الگویی مناسبی باشند. فعالیت این مجموعه‌ها مبتنی بر سیستم‌سازی (یکپارچه‌سازی)، مشروعیت‌بخشی و سازماندهی صنفی است.

علاوه بر این، هر واحد صنفی دارای کد شناسه و کارنامه ارزشیابی حرفه‌ای است، بنابراین متناسب با سازماندهی، شاهد تجمیع قوا در رده‌ها و زیرشاخه‌های معدنی و صنعتی هستیم. یکی دیگر از نکات قابل‌توجه، تمرکز بر آگاهی‌رسانی به اعضا است و روشن کردن این موضوع که تشکل قرار است چه نقشی ایفا کند و چه ارتباط مفید متقابلی باید بین آنها جریان داشته باشد. به این ترتیب یک تشکل می‌تواند با برخورداری از حداکثر نسبی، جدی گرفته شود و مانند بازوی تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی صنفی از طرف تصمیم‌سازان دولتی به‌رسمیت شناخته شود و عمل کند. بهبود روش‌ها در سایه استمرار، مطالعه و بررسی آنها اتفاق می‌افتد. اطلاع‌رسانی شفاف از زمان ارائه برنامه آغاز می‌شود و با نقد و بررسی همزمان ادامه می‌یابد و در نهایت با ارائه گزارش عملکرد فنی و مالی با چارچوب‌های بازرسی به‌پایان می‌رسد. به این ترتیب، تشکل‌ها می‌توانند اعتماد اعضا را جلب کنند و اشتیاق بیشتری برای مشارکت و همکاری به‌وجود آورند و این تازه آغاز راه است، زیرا با مستندسازی عملکردها و مشخص کردن ردپا در مسیری که طی شده، اعتماد اعضای صنف به کیفیت خدمات‌رسانی و هماهنگی‌ها افزایش می‌یابد، البته به این ترتیب توقع اعضای صنف بالاتر می‌رود و هیات‌مدیره منتخب در دوره‌های بعد، مسئولیت به‌مراتب سنگین‌تری برای اعتلا و رشد خواهند داشت. به‌منظور سیستم‌سازی هم می‌توان از روش‌های ساده مکانیزه استفاده کرد.

یکی از این روش‌ها استفاده از فرم‌های ساده اطلاعات و مستندسازی اتفاقاتی است که تاریخچه فعالیت‌های هیات‌مدیره هر واحد صنفی در آن گنجانده شده است. این سیستم‌سازی منجر به ایجاد ساختاری برای ارزشیابی عملکرد می‌شود. این روش به خودی خود در بازه زمانی میان‌مدت و بلندمدت به رقابتی می‌انجامد که در نهایت منجر به پیشرفت و توسعه کمی و کیفی خواهد شد.

برای ایجاد چنین انسجامی، نیازمند آشنایی با اندیشه‌های پیشرو و نوآورانه و بکارگیری آنها هستیم تا شاهد نوعی دگردیسی در برخورد با تشکل‌های صنفی باشیم و نتایج آن را در ارتقای صنعت سنگ ایران مشاهده کنیم.

به‌عبارت دیگر، برای تغییر شرایط موجود، صنعت سنگ نیازمند تبیین دیدگاه‌های سیستم‌محور است. در سیستم‌سازی، اعضای صنف به فرد یا گروه خاصی وابسته نیستند و توان افراد در مجموعه دیده می‌شود، به این ترتیب با پرهیز از فردگرایی، ساختاری خواهیم داشت که در گذر زمان، مسیر مطلوب خود را به‌شکلی پایدار ادامه می‌دهد.

به‌عبارتی در این سیستم با تغییر افراد، سیاست‌های کلی مبتنی بر نفع ملی و توسعه‌ای دچار تغییر نمی‌شود و با اینکه بازبینی و بهبود مستمر وجود دارد، اما تمرکزی بر سلیقه عده محدود یا شخصی خاص ایجاد نخواهد شد.

کمک به ایجاد انسجام صنفی و همگرایی حداکثری را می‌توان به‌عنوان اهداف کوتاه و میان‌مدت معرفی کنیم که مقدمه‌ای است برای رشد و توسعه صنعت سنگ ایران ، بنابراین ایجاد آگاهی صنفی و توسعه فرهنگی تشکل‌گرایی در صنف سنگ ایران، مهم‌ترین و مناسب‌ترین گام در این مسیر است، زیرا رشد و توسعه، بدون مشارکت حداکثری و تجمیع قوا دشوار است.

قصه بر غصه تامین ماشین آلات

گروه معدن

یکی از مهم‌ترین گرفتاری‌های این بخش دسترسی به ماشین‌آلات موردنیاز است. کارشناسان و فعالان حوزه صنعت می‌گویند دولت مطابق قانون موظف است شرایط ورود ماشین‌آلات معدنی را برای تولیدکنندگان فراهم کند، اما چندی است به‌واسطه عواملی همچون تحریم‌های ظالمانه، افزایش نرخ ارز و سقوط ارزش پول ملی، مدیریت و سیاست‌گذاری نادرست نگهداری، واردات و توزیع ماشین‌آلات بخش تولید معادن، دچار چالش‌های فراوانی می‌شود و ممکن است با تداوم این وضع، بخش معدنی کشور زمینگیر شود.

گزارش امروز «روزگار معدن» درباره مشکل ماشین‌آلات و آنچه در ادامه می‌خوانید نظرات حسام‌الدین فرهادی‌نسب، فعال معدنی و عضو اتاق بازرگانی اصفهان و سالار باوند، فعال و صاحب‌نظر معدن است.



عکس: روزگار معدن

ناهماهنگی بین نهادها



حسام‌الدین فرهادی‌نسب ـ فعال معدنی و عضو اتاق بازرگانی اصفهان: اگر بخواهیم ۱۰ مشکل اصلی بخش معدن را به‌ترتیب اولویت مشخص کنیم، هر ۱۰ مشکل، ناهماهنگی بین نهادهای مختلف است که یکی از بارزترین نمودهای آن در معضل تامین ماشین‌آلات معدنی خود را نشانمی‌دهد.

به‌عبارت دیگر، تا وقتی نتوانیم تناقضات قانونی یا آیین‌نامه‌ای موجود را رفع کنیم، به هیچ جایی نخواهیم رسید و متاسفانه گاهی به نظر می‌رسد اراده‌ای در حاکمیت برای حل این موضوع معدنی به‌چشم نمی‌خورد.

البته من نمی‌خواهم از الفاظی که این روزها مورداستفاده قرار می‌گیرد، مانند مافیا یا لابی‌گری و امثال آن، استفاده کنم،اما واقعیت این است که بحث ماشین‌آلات که به موضوعی لاینحل بدل شده، مادر بسیاری از مشکلات بخش معدن است.

▣ چرا حل نمی‌شود؟

علت همان ناهماهنگی بزرگ بین سیستم‌های مدیریتی و نهادی ما است. متاسفانه در مدیریت، این بخش عقلانیتی وجود ندارد. برخی تصمیمات پوپولیستی است و باتوجه به گرایش‌های افراد تغییر می‌کند.

یکی می‌خواهد خود را انقلابی نشان دهد، دیگری تلاش می‌کند خود را مردمی بنمایاند.

ک دولت خود را بروکرات می‌نامد و دیگری طرفدار محرومان و مانند آن. این معضل ریشه‌دار است و مربوط به این دولت و آن دولت نمی‌شود.

به نظر می‌رسد گاهی این معضل حاکمیتی است که هنوز نتوانسته خود را از بند روش‌ها، شعارها و مدیریت متمرکز دهه ۶۰ نجات دهد.

▣ عمدی یا سهوی

شاید بتوان گفت این ناهماهنگی مدیریتی یک یا ۲ بار به‌صورت اتفاقی رخ داده است، اما وقتی سال‌ها با معضلی دست به گریبان هستیم، دیگر سهوی و اتفاقی به‌نظر نمی‌آید بلکه نشان از آن دارد که بخش یا بخش‌هایی، عامدانه تلاش می‌کنند تا شرایط موجود حفظ شود.

به‌گمان من، باید موضوع جریان نفوذ را در همین بخش‌ها دنبال کرد، به‌عبارت دیگر، اگر قرار بود اتاق فکری تمام این مشکلات را برنامه‌ریزی کند تا اتفاقاتی بیفتد که بخش معدن مملکت را به قهقرا ببرد، اختلالی اساسی ایجاد کند، تولید معدن را به حاشیه ببرد و سیستم اقتصادی را به چالش درافکند، بهتر از این نمی‌توانست برنامه‌ریزی و اینقدر دقیق و محکم برای نابودی بخش معدن عمل کند.

▣ ماشین‌آلات معدنی یا خودرو لوکس

در زیرمجموعه معدنی وزارت صمت، مدیری سر کار آمده که به‌واسطه شجاعت خود و مشاوره مناسب و براساس نتایج کارشناسی تصمیم گرفته به مشکل اصلی بخش معدن یعنی واردات و نوسازی ماشین‌آلات معدنی ورود کند و براساس نتایج سال‌ها کار کارشناسی، دست به کار شود، اما بیش از یک سال است که هیچ نتیجه‌ای به‌دست نیاورده است. این مشکل از کجا ناشی می‌شود؟

معاونت ماشین‌آلات وزارت صمت، مقام بالادست معاونت معدنی نیست، همعرض آن است، اما متاسفانه آنکه باید در وزارتخانه تعیین کند که ماشین‌آلات معدنی با خودرو سواری و لوکس تفاوت دارد، معاونت معدنی نیست.

▣ بی‌سلاح در میدان

به‌گمان من، اگر این مشکل از سوی مطبوعات دنبال نشود، هرگز حل نخواهد شد، چرا یک کارخانه خودروسازی با حدود ۸۰۰ نفر نیروی شاغل باید کل تولید بخش معدن را با ۱۱ هزار معدن و حدود ۸۰۰ هزار نیروی فعال، تحت‌تاثیر قرار دهد و به گروگان بگیرد و همه‌چیز معطل آنها بماند.

هپکو اصلا قرار نبود ماشین‌آلات معدنی تولید کند. رسالت اولیه این کارخانه که در خط‌مشی شرکت هم به آن اشاره شده، تولید ماشین‌آلات راهسازی بوده است که از اتفاق در برهه‌ای بسیار هم موفق عمل کرد.

چرا این چند ساله که با مشکل روبه‌رو شده، با ادعای تولید داخلی ماشین‌آلات معدنی، جلوی واردات ماشین‌آلات نو و تولید واقعی داخلی معدنی‌ها را گرفته است؟

از طرف دیگر، نمایندگان بزرگواری که در مجلس نشسته‌اند با چه تدبیر و تحلیلی، معافیت واردات ماشین‌آلات معدنی را در بودجه ۱۴۰۱ برداشتند؟

در حال حاضر بسیاری از مشکلات بخش معدن با ورود ماشین‌آلات حل می‌شود. اگر ابزار موردنیاز معدنکاری که ماشین‌آلات به‌روز و کارآمد است، وارد شود و تولید رونق بگیرد، معضلات این بخش خود به خود حل می‌شود یا کمرنگ‌تر خواهد شد،اما متاسفانه هیچ اراده‌ای برای این کار نیست.

به‌نظر من، معاونت معدنی ما را بدون هیچ سلاحی به میدان جنگ فرستاده‌اند.

وقتی اصلاحیه بخشنامه ورود ماشین‌آلات معدنی اعلام شد، مثل رسانسی در بخش معدن بود و فقط با اعلام این خبر، نرخ کاذب ماشین‌آلات سنگین معدنی ۱۰ الی ۱۵ درصد کاهش پیدا کرد، اما در حال حاضر آیا می‌توان ماشین‌آلات وارد کرد؟

موارد متعددی می‌توان نامبرد که معدنداران برای واردات ماشین‌آلات موردنیاز خود اقدام کرده‌اند، اما به‌خاطر قوانین دست‌وپاگیر گمرکی یا قانون حذف معافیت مالیاتی، تلاش آنها بی‌نتیجه مانده است.

▣ پیشنهاد مشخص

به‌نظر می‌رسد باید کمیته یا کارگروهی بین‌نهادی تشکیل شود، البته چنین کمیته‌ای،به‌تازگی در زیرمجموعه معاونت اقتصادی و معاون اول رئیس‌جمهوری تشکیل شده، اما ترکیب اعضای آن، به‌شکلی دیگر است.

به‌گمان من، چنین کمیته‌ای باید با حضور معاونت معدنی، اعضای کمیسیون صنایع و معادن مجلس، کارشناسان، فعالان بخش خصوصی (البته منظور از بخش خصوصی، شرکت‌های خصولتی نیست بلکه منظور نمایندگان اتاق بازرگانی است که بخش خصوصی واقعی و مرکزیت تشکل‌ها و انجمن‌ها را در زیرمجموعه خود دارد)، خبرگان معدنی و مسئولان گمرک تشکیل شود و به‌صورت کارگروهی اجرایی با اصلاح فرآیندهای موازی و مزاحم، قوانین را به‌سرعت موردبازنگری قرار دهد و از طریق معاونت اول یا اقتصادی یا در نهایت شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، مشکلات این حوزه را برطرف کند.

مشکل تامین ماشین‌آلات معدنی بزرگ است، اما غیرقابل‌حل نیست، یک دستور و یک تصمیم درست نیاز دارد تا به فرمایش رهبر معظم انقلاب در ارتباط با «جایگزینی معدن به‌جای نفت» عمل کنیم تا مشکلات از پیش‌پای بخش معدن برداشته شود و مطمئن باشید برکات آن به‌زودی زود خود را نشان خواهند داد.

▣ بخش معدن، مکلف یا محق

این روزها ظلم بزرگی به بخش معدن وارد می‌شود که متاسفانه حوزه معدن را بخشی «مکلف» به‌شمار می‌آوریم، در حالی که این بخش به‌واسطه قوانین مرتبط موجود، طبقه‌ای «محق» است.

به‌عبارت دیگر، بنا به قانون معادن و آیین‌نامه‌های موجود، به این بخش حق و حقوقی تعلق گرفته، اما متاسفانه حتی مجریان این بخش در وزارت صمت هم این حق و حقوق را زیر پا می‌گذارند.

از موضوع افزایش بی‌رویه و غیرقانونی حقوق دولتی گرفته تا عدم‌حمایت در برابر معارضان محلی و همچنین سکوت در برابر زیاده‌خواهی‌های سازمان‌های معارض که امنیت سرمایه‌گذاری را در این حوزه به‌شدت تحت‌تاثیر قرار داده و معدندار تنها قشری است که هیچ حمایتی ندارد و خودش باید هم تولید کند و هم گلیم خود را از آب بیرون بکشد.

بخشنامه و اصلاحیه



سالار باوند ـ فعال و صاحب‌نظر معدن: پیرو ۲ بخشنامه‌ای که در تیر و اسفند سال ۹۶ صادر شد، واردات ماشین‌آلات معدنی و راهسازی در رده تولیدات هپکو از نیمه دوم سال ۹۶ براساس ماده ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون امور معادن و مکاتبات انجام‌شده با معاونت امور معادن و صنایع معدنی وزارت صمت «در راستای حمایت از مجموعه واحدهای تولیدی داخل به‌ویژه هپکو و همچنین مدیریت منابع ارزی کشور و تقویت تولید کالاهای با ارزش‌افزوده بیشتر» ممنوع شد.

اصلاح ممنوعیت واردات در اواخر اردیبهشت امسال به شرح ذیل انجام شد:

دستگاه بولدوزر کمتر از ۳۲۰ اسب بخار؛ لودر ۳۹۰ اسب بخار؛ بیل هیدرولیکی ۳۵۰ اسب بخار؛ دامپ‌تراک با وزن ناخالص کمتر و مساوی ۱۰۰ تن و دریل واگن کمتر از ۶ اینچ که در ازای خرید هر دستگاه از تولید داخل، می‌توان یک دستگاه نیز از خارج کشور وارد رد.

دستگاه‌های بالاتر از اعداد فوق آزاد هستند.

▣ اهداف اولیه و نتایج نهایی

هدف اولیه این بخشنامه، احیای شرکت هپکو و تداوم اشتغال پرسنل آن بود، اما آثار و نتایج آن به شرح زیر است:

افزایش عمر متوسط ماشین‌آلات و نداشتن امکان نوسازی، افزایش نرخ ماشین‌آلات ناشی از ممنوعیت، انحصار و کمبود، کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه معدنکاری، عدم‌توسعه و رشد معادن کشور ناشی از کمبود و مستعمل بودن ماشین‌آلات، کاهش رشد اشتغالزایی معادن کشور ناشی از عدم‌توسعه، کاهش رشد شرکت‌های بزرگ پیمانکاری به‌عنوان بازوی اجرایی صنعت و معدن کشور و... .

باتوجه به مستعمل بودن بخشی از ماشین‌آلات موجود و عدم‌امکان استفاده از فناوری روز دنیا، آسیب‌های محیط‌زیستی ناشی از میزان مصرف سوخت، روانکارها و... را هم باید به این فهرست اضافه کرد.

▣ طولانی شدن روند حل مشکل

صورت‌های مالی هپکو در سال ۹۹ نشان می‌دهد که تنها در یک سال، ۲۹ دستگاه راهسازی و معدنی تولید شده که در میان آنها تنها یک دستگاه بیل‌مکانیکی وجود داشته است، در حالی که ظرفیت اسمی این مجموعه ۱۰۶۰ دستگاه است.

حتی اگر به‌شکلی معجزه‌آسا، ظرفیت عملیاتی هپکو به ظرفیت اسمی خود برسد، باز هم ما با کمبود چندین هزار دستگاه روبه‌رو هستیم.

مهم‌ترین علت طولانی شدن حل مشکل، اصرار بیش از حد شرکت هپکو روی ظرفیت اسمی تولید خود (در حالی که تولید عملیاتی آن با ظرفیت اسمی اعلام‌شده اختلاف فاحشی دارد) و سوءاستفاده از حواشی مربوط به اشتغالزایی، نیروی انسانی و صنف‌های کارگری و ...، بی‌توجهی به سیاست کلان‌نگری به‌جای سیاست جزءنگر و کتمان واقعیت نسبت به نیاز واقعی کشور و ظرفیت محدود تولید داخل است.

▣ عملکرد یک ساله دولت

در یک سال اخیر در حالت کلی نسبت به سال‌های پیش از آن گام‌های رو به جلویی برداشته شد،اما ناکافی است.

باتوجه به ظرفیت معدنی کشور و سیاست جایگزینی نفت با استفاده از صنایع معدنی، باید گفت تا زمانی که ماشین‌آلات باکیفیت فراتر از نیاز کشور تولید نشود، باید ماشین‌آلات موردنیاز را از طریق واردات تامین کرد.

ماشین‌آلات کارآمد و برخوردار از فناوری روز، موجب رشد کیفی و کمی تولید داخل می‌شود و در مجموع، افزایش بهره‌وری و توسعه معادن و رشد اشتغالزایی را به‌دنبال می‌آورد.

با استناد به اصلی از علم اقتصاد باید تاکید کرد که «انحصار موجب عقب‌ماندگی، فساد و...» می‌شود.

صنایع کشور از جمله هپکو از حمایت‌های غیرمستقیمی از جمله فولاد، سوخت و انرژی ارزان‌تر و... برخوردار هستند و افزودن حمایت‌های نامتعارف بیشتر همچون ممنوعیت واردات، حاصلی جز عقب‌ماندگی همیشگی نسبت به سایر تولیدکنندگان جهان به‌دنبال نخواهد داشت و نمونه عینی آن سرنوشت شرکت ایران‌خودرو است.

سخن پایانی

باتوجه به تلاش معاونت معدنی وزارت صمت، نظر مثبت و مساعد مجلس و تقاضای مکرر فعالان و دست‌اندرکاران این حوزه، امید است تغییری اساسی در بخشنامه‌های مربوط به واردات ماشین‌آلات معدنی ایجاد شود.